

تفسیر سورہ

آل عمران

آیات ۱-۸۳

## سیمای سوره آل عمران

سوره آل عمران دارای دویست آیه است و آیات آن از یک نظام و هماهنگی خاصی برخوردارند. این سوره در مدینه نازل شد و نزول آن زمانی بود که ندای دعوت اسلام در جهان آن روز بلند و دشمنان حساس و گوش به زنگ شده بودند. چنانکه در تفسیر المیزان آمده است، عده‌ای از مسیحیان منطقه‌ی نجران یمن، برای شنیدن سخنان پیامبر به مدینه آمدند که هشتاد و چند آیه اول این سوره برای توضیح معارف اسلام به آنان یکجا نازل گردید و با ماجرای مباهله به انجام رسید.

همچنین ماجرای جنگ احد و دعوت مسلمانان به صبر و پایداری، در این سوره مطرح شده است. نام این سوره بر اساس آیات ۳۳ و ۳۵ آن می‌باشد که ماجرای تولد مریم فرزند عمران را بیان می‌دارد. لذا مراد از آل عمران در این سوره، حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام می‌باشند، گرچه نام پدر حضرت موسی نیز، عمران بوده است.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

### ﴿ ۱ ﴾ اَلَمْ

الف لام میم

#### نکته‌ها:

- در جلد اول تفسیر، درباره‌ی آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گفته شد که از جایگاه خاصی برخوردار و خود آیه‌ای مستقل است. گفتن آن در اول هر کار سفارش شده و تکرار آن در ابتدای هر سوره، نشانه‌ی اهمیّت آن است. «بِسْمِ اللَّهِ» مخصوص اسلام نیست و پیامبران دیگر نیز این آیه را با همین عبارت بکار برده‌اند. اینکه «بِسْمِ اللَّهِ» با حرف «باء» شروع شده که به معنای استمداد و کمک خواهی است، نشانه‌ی آن است که بدون خواست و اراده او هیچ‌کاری صورت نمی‌گیرد. استعانت از خدا، یعنی کمک گرفتن از تمام صفات او. او رحمن و رحیم است و چشم امید ما به رحمت اوست، رحمتی گسترده و عمومی برای این جهان و آن جهان. آری! دیگران یا رحم ندارند و یا رحمشان محدود به افراد خاص و یا زمان و مکان خاصی است و هدفشان از رحم کردن بازگشت آن است، نظیر علفی که به حیوان یا دانه‌ای که به مرغ می‌دهند تا از او بهره‌مند شوند. رحمتی گسترده و ابدی برای همه بدون قصد بازگشت مخصوص خداوند است. پس از چنین خدای رحمن و رحیمی استمداد کنیم و بگوییم: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
- چنانکه در سوره‌ی بقره ذکر شد «الْم» از حروف مقطعه است. شاید مشهورترین

و بهترین نظر درباره حروف مقطعه همین باشد که بگوییم رمزی است میان خدا و پیامبرش.<sup>(۱)</sup> و یا اعلام این موضوع باشد که قرآن، کلام الهی نیز از همین حروف الفبا تألیف یافته، ولی با این حال معجزه است. اگر شما هم می‌توانید از همین حروف، کتابی همچون قرآن بیاورید. همان‌گونه که قدرت الهی از خاک، انسان می‌آفریند ولی بشر از خاک، سفال و آجر و کوزه می‌سازد. این تفاوت قدرت الهی با قدرت بشری است.

□ حروف مقطعه «الم» در ابتدای شش سوره بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان و سجده آمده است.

### ﴿۲﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

خداوند که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است.

#### نکته‌ها:

□ «قیوم» به کسی گفته می‌شود که خود به دیگری تکیه نداشته باشد، ولی دیگران به او تکیه دارند و یا قوام‌بخش همه چیز است.

□ خداوند در آفریدن، تدبیر و تسلط کامل دارد. عوامل و اسباب مادی وسیله‌ی پیدایش می‌شوند، ولی مستقل نیستند و سبب بودنشان از خودشان نیست. موجودات دیگر، علم، حیات و قدرت مستقلی ندارند. تنها او زنده‌ای است که زندگی هر موجود زنده وابسته به اوست.

در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: او قبل از هر زنده‌ای زنده و بعد از هر زنده‌ای زنده است. هیچ زنده‌ای شریک او نیست و به کسی نیاز ندارد. جان همه‌ی زنده‌ها و رزق آنها به دست اوست. او زنده‌ای است که زنده بودن خود را از کسی ارث نبرده است.

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الم» در اول سوره آل عمران، رمز این جمله است: «أنا الله المجید» یعنی منم خدای مجید. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۹.

## پیام‌ها:

- ۱- توحید، سرلوحه‌ی کتب آسمانی است. ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾
- ۲- شرط معبود شدن، داشتن کمالات ذاتی است و تنها خداوند است که قائم به ذات خویش و بی‌نیاز مطلق است. ﴿الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾

﴿۳﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ  
وَ الْإِنْجِيلَ

او کتاب را به حق بر تو نازل کرد، که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین است و  
(او بود که) تورات و انجیل را فرو فرستاد.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «تورات»، در زبان عبری به معنای شریعت و قانون است. تورات کنونی دارای پنج بخش به نام‌های: ۱- سفر پیدایش ۲- سفر خروج ۳- سفر لاویان ۴- سفر اعداد ۵- سفر تثنیه می‌باشد. از آنجایی که در تورات شرح وفات و دفن حضرت موسی عليه السلام مطرح شده، معلوم می‌شود که این مطالب بعد از حضرت موسی جمع آوری شده است.
- کلمه‌ی «انجیل»، ریشه یونانی دارد و به معنای بشارت است. انجیل نام کتاب مسیحیان است و قرآن هر کجا از آن نام برده، به صورت مفرد بیان کرده است، ولی امروزه در میان مسیحیان اناجیل متعدّد وجود دارد که همه پس از حضرت عیسی عليه السلام و بدست یاران و پیروان او نوشته شده‌اند. این اناجیل که به نام خود آنان معروف است، عبارتند از: ۱- انجیل مَتّی. ۲- انجیل مَرَقَس. ۳- انجیل لوقا. ۴- انجیل یوحنا.

## پیام‌ها:

- ۱- آمدن کتب آسمانی، جلوه‌ای از قیومیت خداست. ﴿الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ﴾

- ۲- نزول قرآن بر پیامبر، مربوط به شخصیت او و تکریم خداوند از اوست. ﴿نزل عليك الكتاب﴾ کلمه «عليك» مقدم بر کلمه «الكتاب» است.
- ۳- قرآن از هرگونه باطلی مصونیت داشته و منطبق با حقیقت است. ﴿بالحق﴾
- ۴- کتاب‌های آسمانی انبیا، مؤید یکدیگرند. ﴿مصدقاً لما بين يديه﴾
- ۵- تصدیق کتب آسمانی پیشین، عاملی برای وحدت خداپرستان و یکی از شیوه‌های دعوت دیگران است. ﴿مصدقاً﴾
- ۶- تصدیق قرآن نسبت به تورات و انجیل، حقی بزر بر ادیان سابق است، و گرنه با خرافاتی که وارد تورات و انجیل شده، آسمانی بودن آنها به کلی فراموش می‌شد. ﴿مصدقاً﴾
- ۷- با آنکه مراحل تربیت الهی، ابزار و دستورالعمل‌های آن در هر زمان و شرایط متفاوت بوده‌اند، ولی از آهنگ تکاملی و وحدت در هدف برخوردارند. ﴿مصدقاً﴾

﴿۴﴾ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

او پیش از این (تورات و انجیل را) برای هدایت مردم (فرو فرستاد) و اینک فرقان را (که وسیله‌ی تمیز حق از باطل است) نازل کرد، البته برای کسانی که به آیات الهی کفر ورزند، عذاب شدیدی است و خداوند شکست ناپذیر صاحب انتقام است.

#### نکته‌ها:

- یکی از نام‌های قرآن، فرقان است. فرقان، یعنی آنچه مایه‌ی افتراق، جدایی و فرق گذاشتن است. از آنجا که راه تشخیص حق از باطل، در همه امور قرآن می‌باشد، لذا به آن فرقان گفته شده است.
- عذاب شدید مخصوص آخرت نیست. در این آیه نفرموده که عذاب کفار مربوط به آخرت است، زیرا گاهی سرگرمی و حرص بر اندوختن مال و غفلت از خداوند

و معنویات خود عذاب است. در آیه ۸۵ سوره توبه می فرماید: خداوند به گروهی مال و اولاد می دهد تا بدانها عذابشان کند.

□ امام صادق علیه السلام درباره ی ﴿انزل الفرقان﴾ فرمودند: هر امر محکم، فرقان است و کتاب در ﴿انزل الكتاب﴾، مجموع قرآن است.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- هدایت مردم، یک سنت همیشگی الهی بوده است. ﴿من قبل﴾
- ۲- مخاطب کتب آسمانی، عموم مردم هستند، نه قبیله و نژاد خاص. ﴿للناس﴾
- ۳- قرآن، وسیله‌ی شناخت حق از باطل است. ﴿وانزل الفرقان﴾
- ۴- هرکجا میان سلیقه‌ها، افکار و عقاید به هر نحو دچار تحیر شدیم، حرف آخر از آن قرآن است. (حتی اگر در میان روایات نیز دچار حیرت شدیم، باید به حدیثی توجه کنیم که مطابق با قرآن باشد). ﴿الفرقان﴾
- ۵- بعد از نزول آن همه کتاب و اسباب هدایت، جزای شخص لجوج عذاب شدید است. ﴿عذاب شدید﴾
- ۶- عذاب الهی، پس از اتمام حجّت بر مردم است. ﴿هدی للناس... الذین کفروا... لهم عذاب شدید﴾
- ۷- این آیه مایه‌ی دلگرمی و تسلیت خاطر پیامبر و مؤمنان است که خداوند به حساب کفّار سرسخت می‌رسد. ﴿عزیز ذوانتقام﴾
- ۸- سرچشمه کیفر و انتقام او، عملکرد ماست، وگرنه او عزیز است که هیچ کمبودی ندارد. ﴿عزیز ذوانتقام﴾
- ۹- کفر مردم در خداوند اثری ندارد. ﴿کفروا، والله عزیز﴾

﴿۵﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲.

همانا هیچ چیز، نه در زمین و نه در آسمان، بر خداوند پوشیده نمی‌ماند.

#### نکته‌ها:

□ در چند آیه‌ی قبل، سخن از قیوم بودن خداوند بود. در این آیه، آشکار بودن همه چیز برای او مطرح شده، که جلوه‌ای از قیومیت اوست.

#### پیام‌ها:

- ۱- خداوند بر همه چیز آگاه است. ما وهمه‌ی هستی هر لحظه در محضر خدا هستیم، در محضر او گناه نکنیم. با توجه به آیه قبل، استفاده می‌شود که کفر و معصیت هیچ کس بر خدا پوشیده نیست. «کفروا... لا یخفی علیه شیء»
- ۲- تعدد افراد، تعدد اعمال، تعدد مکان‌ها و زمان‌ها هیچ کدام مسأله‌ای را بر خداوند پنهان نمی‌سازد. «فی الارض ولا فی السماء»

﴿۶﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

او کسی است که شما را آنگونه که می‌خواهد در رحم‌ها صورت می‌دهد. جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست.

#### نکته‌ها:

- شکل‌گیری جنین در رحم، نشانه‌ی دیگری از قیوم بودن خداوند است که در آیات قبل خواندیم.
- موضوع صورت‌گیری انسان در رحم مادر، در میان دو آیه‌ی نزول کتاب آمده است، شاید رمز این باشد که خدایی که در رحم مادر به شما سر و سامان می‌دهد، با تشریح قوانین الهی و ارسال کتب آسمانی، به رشد آینده و ابدی شما نیز سامان می‌بخشد.
- تأثیر هر یک از عوامل وراثتی، بهداشتی، غذایی و یا روانی در شکل‌گیری صورت



و جسم افراد نیز از سنت‌های الهی و در مدار قدرت و تدبیر و حکمت اوست.

### پیام‌ها:

- ۱- منشأ تکوین و تشریح یکی است. آن که برای هدایت شما کتاب فرستاده، همان است که شما را آفریده است. ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ... يَصُورَكُم﴾
- ۲- صورت‌گری انسان در رحم مادر، تنها بدست اوست. ﴿هُوَ الَّذِي يَصُورَكُم﴾
- ۳- اکنون که صورت‌بندی‌ها به دست اوست، یکدیگر را به خاطر شکل و قیافه سرزنش نکنیم. ﴿هُوَ الَّذِي يَصُورَكُم﴾
- ۴- قدرت نمایی او محدود به مکان و زمان خاصی نیست. ﴿يَصُورَكُم فِي الْاِرْحَامِ﴾
- ۵- تفکر در آفرینش خود، عامل ایمان به خداوند است. ﴿يَصُورَكُم... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾
- ۶- گرچه خداوند به هر کاری قادر است؛ ﴿كَيْفَ يَشَاءُ﴾ ولی کاری بر خلاف حکمت نمی‌کند. ﴿هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
- ۷- صورت‌های گوناگون افراد بشر، نشانه‌ی قدرت و حکمت اوست. ﴿يَصُورَكُم... الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

﴿۷﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ  
وَأُخَرٌ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا  
تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا  
اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا  
وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم (روشن و صریح) است که اصل و اساس این کتاب را تشکیل می‌دهد. (و هرگونه ابهامی در آیات دیگر، با مراجعه به این محکمت روشن می‌شود) و بخشی از آن، آیات متشابه است (که احتمالات مختلفی در معنای آیه می‌رود، ولی با

توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن می‌شود.) اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، به جهت ایجاد فتنه (و گمراه کردن مردم) و نیز به جهت تفسیر آیه به دلخواه خود، به سراغ آیات متشابه می‌روند، در حالی که تفسیر این آیات را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند. آنان که می‌گویند: ما به آن ایمان آورده‌ایم همه‌ی آیات از طرف پروردگار ماست (خواه محکم باشد یا متشابه) و جز خردمندان پند نگیرند.

### نکته‌ها:

□ در این آیه، چند سؤال مطرح است:

سؤال: قرآن در یکجا همه‌ی آیات خود را محکم دانسته و فرموده: «کتابُ احکمت آیاته»<sup>(۱)</sup> و در جای دیگر همه را متشابه دانسته و فرموده: «کتاباً متشابهاً»<sup>(۲)</sup> ولی در این آیه بعضی را محکم و بعضی را متشابه معرفی نموده است، مسأله چیست؟ پاسخ: آنجا که فرمود: تمام آیات قرآن محکم است، یعنی سخن سست و بی‌اساس در هیچ آیه‌ای نیست و آنجا که فرمود: همه‌ی آیات متشابه هستند، یعنی سیستم و آهنگ آیات قرآن، هماهنگ، یکنواخت و شبیه بهم است. اما با این حال، از نظر فهم مردم همه‌ی آیات یکسان نیستند، بعضی صریح و روشن و همه کس فهم، ولی بعضی دارای معانی بلند و پیچیده‌اند که همین امر موجب شبهه و اشتباه آنان می‌گردد.

سؤال: چرا در قرآن آیات متشابه به کار رفته است؟

پاسخ: اولاً: وجود آیات متشابه زمینه‌ی فکر و تدبیر در آیات است.

ثانیاً: موجب رجوع مردم به رهبران آسمانی می‌شود. آری، اگر همه‌ی درس آسان باشد، شاگرد احساس نیاز به استاد نمی‌کند.

ثالثاً: متشابهات وسیله آزمایش مردم است. گروهی کژاندیش، از لابلای آنها به سراغ

اهداف شوم خود می‌روند و گروهی اندیشمند، به فرموده امام رضا علیه السلام با مراجعه به محکّمات، معنای صحیح آیات را کشف می‌نمایند.<sup>(۱)</sup>

سؤال: نمونه آیات متشابه کدام است؟

پاسخ: در قرآن می‌خوانیم: ﴿الی ربّها ناظرة﴾<sup>(۲)</sup> در قیامت، چشم‌ها به پروردگارشان می‌نگرند. چون عقل سلیم، جسم بودن را برای خداوند محال می‌داند و در آیات دیگر قرآن نیز می‌خوانیم: ﴿لاتدرکه الابصار﴾<sup>(۳)</sup> چشمها او را درک نمی‌کنند، لذا می‌فهمیم که مراد از نگاه به پروردگار، نگاه به لطف و پاداش او در قیامت است. همچنین مراد از «دست خدا» در آیه ی ﴿یدالله فوق ایدیهم﴾ قدرت اوست، چنانکه در فارسی نیز می‌گوییم: فلانی در فلان شهر یا اداره دست دارد، یعنی قدرت دارد. وگرنه خداوند که جسم نیست تا دست و پا داشته باشد. قرآن نیز می‌فرماید: ﴿لیس کمثله شیء﴾<sup>(۴)</sup> او همانندی ندارد.

این گونه آیات، سبب انحراف ساده اندیشانی شده که به آیات دیگر توجه ندارند و از مفسران واقعی یعنی اهل بیت پیامبر علیهم السلام جدا افتاده‌اند و شاید به جهت همین خطرات باشد که قرآن، خود به ما سفارش نموده است هنگام قرائت قرآن از شرّ شیطان به خداوند پناه ببرید. ﴿فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم﴾<sup>(۵)</sup>

سؤال: تأویل قرآن به چه معناست؟

پاسخ: مراد از تأویل، اهداف و معارف و اسرار پشت پرده‌ای است که بعد روشن می‌شود. نظیر تعبیر خوابی که حضرت یوسف دید و بعد روشن شد و یا اسراری که در شکستن کشتی توسط خضر و موسی بود که بعد روشن شد.

□ در روایات می‌خوانیم: آیات ناسخ، از محکّمات و آیات منسوخ از متشابهات قرآن است و ائمه معصومین علیهم السلام مصداق بارز راسخون در علم هستند.<sup>(۶)</sup>

۱. «من ردّ متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم». بحار، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. قیامة، ۲۳. ۳. انعام، ۱۰۳. ۴. شورا، ۱۱.

۵. نحل، ۹۸. ۶. تفسیر نورالثقلین.

همچنان که خروج کنندگان بر حاکم اسلامی، کج اندیشانی هستند که به دنبال آیات متشابه می روند.<sup>(۱)</sup>

□ حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه<sup>(۲)</sup> از راسخان در علم ستایش می کند. آنان که به عجز علمی خود اعتراف دارند و از تعمق در چیزی که ضرورتی ندارد دست باز می دارند.

### پیام‌ها:

- ۱- هر کس همه‌ی آیات را نمی فهمد. «و آخر متشابهات»
- ۲- قلب‌های منحرف، منشأ فساد و فتنه است. «فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة»
- ۳- فتنه، تنها آشوب نظامی و فیزیکی نیست، تفسیر به رأی و تحریف فرهنگ و معانی آیات، نیز فتنه است. «ابتغاء الفتنة»
- ۴- گاهی حق دستاویز باطل می شود. «ابتغاء الفتنة»
- ۵- هدف نهایی و مقصد اعلای آیات الهی را تنها خدا و راسخان در علم می دانند. «وما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم»
- ۶- نام راسخان در علم در کنار نام مقدس خداوند آمده و مقامشان بعد از مقام الهی است. «وما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم»
- ۷- علم، درجاتی دارد که بالاترین آن آشنا شدن به تأویل و رسیدن به هدف نهایی است. «وما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم»
- ۸- عالمان واقعی بی تکبرند. «والراسخون فی العلم یقولون امنا به»
- ۹- گرایش به باطل، مانع از رسوخ علم است. «الراسخون فی العلم» در برابر «فی قلوبهم زیغ» قرار داده شده است.
- ۱۰- هر چه را نمی فهمیم انکار نکنیم. «کل من عند ربنا»

۱. تفسیر درالمنثور، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۱۱- نزول آیات محکم و متشابه، در مسیر تربیت است. ﴿کل من عند ربنا﴾

﴿۸﴾ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

(راسخان در علم می‌گویند: پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌های ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی ببخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده‌ای.)

پیام‌ها:

۱- به علم و دانش خود مغرور نشویم، از خداوند هدایت بخواهیم. ﴿ربنا لاتزغ قلوبنا...﴾

۲- نشانه‌ی علم واقعی و رسوخ در علم، توجه به خدا و استمداد از اوست. ﴿الاراسخون فی العلم... ربنا لاتزغ قلوبنا﴾

۳- محور هدایت و گمراهی، قلب و افکار انسانی است. ﴿لاتزغ قلوبنا﴾

۴- در خط قرار گرفتن خیلی مهم نیست، از خط خارج نشدن بسیار اهمیت دارد. ﴿بعد از هدیتنا...﴾

۵- هدیه و هبه‌ی دائمی و بی‌منت، مخصوص اوست. ﴿انک انت الوهاب﴾

﴿۹﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

(راسخان علم در ادامه دعا گویند: پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گردآوری. همانا خداوند وعده‌ی خود را تخلف نمی‌کند.)

نکته‌ها:

□ کسی که به قیامت ایمان دارد؛ ﴿لیوم لاریب فیه﴾ نگران بد عاقبت شدن خود می‌شود و از خداوند استمداد می‌کند.

□ منشأ خُلف وعده، غفلت، عجز، ترس، جهل و یا پشیمانی است که هیچ کدام از

اینها در ذات مقدّس الهی راه ندارد. ﴿لَا يَخْلِفُ الْمِعَادُ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- راسخان در علم، به آینده و قیامت چشم دوخته‌اند. ﴿انك جامع الناس ليوم...﴾
- ۲- توجّه به حالات روحی در دنیا؛ ﴿لاتزغ قلوبنا﴾ و پاسخگویی به اعمال در آخرت، نشانه‌ی دانشمندان واقعی است. ﴿ليوم لاريب فيه﴾
- ۳- روز قیامت، هم روز جمع است که مردم یکجا برای حسابرسی جمع می‌شوند؛ ﴿جامع الناس﴾ و هم روز فصل است که بعد از محاکمه، هر یک جداگانه به جایگاه خود می‌روند. ﴿انّ يوم الفصل كان ميقاتاً﴾<sup>(۱)</sup>
- ۴- راسخان در علم به قیامت یقین دارند، ﴿لاريب فيه﴾ چون به وفای خداوند یقین دارند. ﴿لَا يَخْلِفُ الْمِعَادُ﴾

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ

همانا کسانی که کفر ورزیدند، نه اموالشان و نه فرزندانشان در برابر (عذاب) خدا (در قیامت) هیچ به کارشان نمی‌آید و آنان خود هیضم و سوخت آتشند.

### نکته‌ها:

- «وقود» به معنای ماده‌ی سوختنی است. وسیله‌ی آتش‌زایی دوزخ دو چیز است: سنگ‌ها و انسان‌ها؛ ﴿وقودها الناس و الحجارة﴾<sup>(۲)</sup> خصلت‌ها و افکار و اعمال، هویت انسان را دگرگون می‌کند و انسان به سوخت آتش تبدیل و خود عامل سوختن خود می‌شود.
- غیر او هیچ کس، نه در دنیا و نه در آخرت، نیازهای واقعی انسان را تأمین نمی‌کند و انسان در هر حال به او نیازمند است.

## پیام‌ها:

- ۱- به مال و فرزند مغرور نشوید. دل‌بستگی به غیر خدا هر چه باشد، محکوم است. ﴿لَنْ تَغْنَىٰ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ﴾
- ۲- کفر، انسان را از مدار انسانیت خارج و در حدّ اشیای مادی و طبیعی پایین می‌آورد. ﴿اُولَئِكَ هُم وَقُودُ النَّارِ﴾

﴿۱۱﴾ كَذَابٍ ءَاٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ

(شیوه کفار) مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند، پس خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان بگرفت. و خدا سخت کیفر است.

## پیام‌ها:

- ۱- بعد از بیان کلیات، بیان نمونه‌ها لازم است. ﴿کفروا... کذاب آل فرعون﴾
  - ۲- تکیه بر قدرت مادی، مال و اولاد، شیوهی فرعون است. ﴿کذاب آل فرعون﴾
  - ۳- تاریخ و تجربه‌ی گذشتگان، بهترین درس است. ﴿کذاب آل فرعون...﴾
- فرعون و آل فرعون که قهرمان قدرت و زور بودند، در برابر قهر خداوند نتوانستند لحظه‌ای مقاومت کنند، شما به این مال و قدرت اندک خود ننازید.
- ۴- گاهی نقش اطرافیان طاغوت از خود طاغوت کمتر نیست. ﴿کذاب آل فرعون﴾
  - ۵- گناه بد است، ولی بدتر از آن عادت به گناه و روحیه‌ی گناه است. ﴿کذاب آل فرعون و...﴾
  - ۶- خصلت‌ها، شیوه‌ها و اعمال و گناهان مشابه، جزا و پاداش مشابه دارد. ﴿کذاب آل فرعون﴾
  - ۷- عامل هلاکت امت‌ها، گناهان آنان بوده است. ﴿فأخذهم الله بذنوبهم﴾
  - ۸- آنجا که گناه جزو روحیه و عادت شد، عقوبت پروردگار سخت است.

﴿كُدَابٌ... شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

﴿۱۲﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُّغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

به کسانی که کافر شدند بگو: به زودی شکست می‌خورید و به سوی جهنم

رانده می‌شوید و چه بد جایگاهی است.

نکته‌ها:

□ چنانکه در تفاسیر مجمع البیان و کبیر و مراغی آمده است: وقتی مسلمانان در سال دوم هجری در جنگ بدر پیروز شدند، گروهی از یهود گفتند: این پیروزی نشانه‌ی صدق محمد ﷺ است، چون در تورات آمده است: او بر دشمنانش پیروز می‌شود. گروهی دیگر از یهود گفتند: عجله نکنید، شاید در جنگ‌های دیگر شکست بخورد. وقتی در سال سوم، جنگ احد پیش آمد و مسلمانان شکست خوردند، این گروه از یهودیان خوشحال شدند. آیه نازل شد که زود قضاوت نکنید، در آینده‌ی نزدیک شما شکست می‌خورید. طولی نکشید که مسلمانان، یهود بنی قریظه و بنی نضیر مدینه را درهم شکستند و در فتح مکه نیز مشرکان را از بین بردند.

پیام‌ها:

۱- دلداری مؤمنان و تهدید کفار، نشانه رهبری صحیح و ایمان به هدف است.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُّغْلَبُونَ﴾

۲- یکی از معجزات قرآن، پیشگویی‌های صادق آن است. ﴿سِتُّغْلَبُونَ﴾

۳- حق، پیروز و کفر، محکوم به شکست است. ﴿سِتُّغْلَبُونَ﴾

۴- با شایعات و تبلیغات دشمن، برخورد کنید. ﴿سِتُّغْلَبُونَ﴾

۵- از شکست‌هایی نگران باشید که به جهنم منتهی می‌شود، والا در هر جنگی

احتمال شکست وجود دارد. ﴿سِتُّغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ﴾



﴿۱۳﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَفْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ  
 أُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ  
 يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

به یقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبرو شدند، برای شما نشانه  
 (و درس عبرتی) بود. گروهی در راه خدا نبرد می‌کردند و گروه دیگر که کافر  
 بودند (در راه شیطان و هوس خود) کفار به چشم خود مسلمانان را دو برابر  
 می‌دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می‌شد) و خداوند هر کس را بخواهد به  
 یاری خود تأیید می‌کند. همانا در این امر برای اهل بینش، پند و عبرت است.

#### نکته‌ها:

□ این آیه مربوط به جنگ بدر است که دو گروه مسلمانان و کفار در برابر یکدیگر  
 قرار گرفتند. در این نبرد تعداد مسلمانان سیصد و سیزده نفر بود که هفتاد و هفت  
 نفر آنها از مهاجرین و دویست و سی و شش نفر از انصار بودند. پرچمدار مهاجرین  
 حضرت علی علیه السلام و پرچمدار انصار سعد بن عباده بود. مسلمانان هفتاد شتر، دو  
 اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند، ولی لشکر کفر بیش از هزار رزمنده و  
 صد اسب سوار داشت. مسلمانان در آن جنگ با دادن بیست و دو شهید - ۱۴ نفر  
 از مهاجرین و ۸ نفر از انصار - بر دشمن کافر با ۷۰ کشته و ۷۰ اسیر پیروز شدند.  
 □ جنگ بدر با پیش بینی قبلی انجام نشد. هدف، مصادره اموال کفار به تلافی  
 مصادره‌ی اموال مسلمین مهاجر از مکه بود که به جنگ و برخورد نظامی انجامید.  
 ﴿فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَفْتُمْ﴾

□ سؤال: در این آیه می‌خوانیم که کفار، مسلمانان را دو برابر دیدند؛ ﴿يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ﴾  
 در حالی که در آیه ۴۴ سوره انفال می‌خوانیم: مسلمانان در چشم کفار کم جلوه  
 کردند؛ ﴿يَقَلِّكُمْ فِي عَيْنِهِمْ﴾ چگونه چنین چیزی ممکن است؟  
 پاسخ: در آغاز جنگ، مسلمین را کم دیدند تا جرأت هجوم پیدا کنند و از کفار مکه

کمک نخواهند، ولی در هنگام جنگ، آنان را زیادی دیدند و خود را باختند. بنابراین کم دیدن و زیاد دیدن در دو مرحله و دو زمان بود، لذا تناقضی نیست.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- هدف جنگ باید خدا و دین خدا باشد. ﴿فی سبیل اللّٰه﴾
- ۲- رزمندگان مسلمان دارای یک هدف هستند. ﴿فئة تقاتل فی سبیل اللّٰه﴾ (ولی رزمندگان کافر هرکدام برای هدفی به جنگ آمده‌اند).
- ۳- آنجا که خدا بخواهد دیده‌ها، برداشت‌ها و افکار عوض می‌شود. با همین چشم همین جمعیت را دو برابر می‌بیند. ﴿یرونهم مثلهم رأی العین﴾
- ۴- یکی از امدادهای غیبی، ایجاد رعب در دل دشمنان است. ﴿یرونهم مثلهم... و اللّٰه یؤید﴾
- ۵- جنگ بدر نشان داد که اراده خداوند بر اراده خلق غالب، و تنها امکانات مادی، عامل پیروزی نیست. ﴿یؤید بنصره من یشاء﴾
- ۶- گرچه خداوند هر کس را بخواهد یاری می‌کند؛ ﴿من یشاء﴾ ولی شرط یاری آن است که مردم در مقام نصرت دین او بپاخیزند.<sup>(۲)</sup> ﴿فی سبیل اللّٰه﴾
- ۷- هدف از بیان تاریخ باید عبرت و پندگیری باشد. ﴿لعبرة﴾
- ۸- گرچه حوادث برای همه مایه‌ی پند و عبرت است؛ ﴿کان لکم آية﴾ ولی درس گرفتن از نشانه‌ها، بصیرت و بینش می‌خواهد. ﴿لعبرة لأولی الأبصار﴾
- ۹- کسانی که از جنگ بدر درس نگیرند، صاحب بصیرت نیستند. ﴿لعبرة لأولی الابصار﴾

۱. تفسیر صافی.

۲. در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿ان تنصروا اللّٰه ینصرکم﴾ محمد، ۷.

﴿۱۴﴾ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ  
الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ  
وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاطِ

عشق و علاقه به زنان و فرزندان پسر و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز  
و چهارپایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته‌های نفسانی است، در  
نظر مردم جلوه یافته است، (در حالی که) اینها بهره‌ای گذرا از زندگانی  
دنیاست و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است.

#### نکته‌ها:

- «قناطر» جمع «قنطار» به معنای مال زیاد است و آمدن کلمه‌ی «مُقَنْطَرَة» به دنبال آن، برای تأکید بیشتر است. نظیر اینکه بگوییم: آلف و ألوف، هزاران هزار.
- «خَیْل» به معنای اسب و اسب سوار، هردو آمده است و «مُسَوَّمَة» یعنی نشاندار. اسب‌هایی که به خاطر زیبایی اندام و یا تعلیمی که می‌دیدند، دارای برجستگی‌های خاصی می‌شدند، به آنها «خَیْل مُسَوَّمَة» می‌گفتند.
- جلوه کردن دنیا در نظر انسان، گاهی از طریق خیالات شخصی و گاهی از سوی شیطان و گاهی از جانب اطرافیان متملک صورت می‌گیرد. از طریق اوهام شخصی: ﴿يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾<sup>(۱)</sup> و ﴿فَرَّاهُ حَسَنًا﴾<sup>(۲)</sup> و از سوی شیطان: ﴿زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانِ أَعْمَالَهُمْ﴾<sup>(۳)</sup> و از طرف اطرافیان متملک ﴿زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ﴾<sup>(۴)</sup>
- مصادیق جلوه‌های دنیا که در آیه ذکر شده، با توجه به زمان نزول آیه است و می‌تواند در هر زمانی مصادیق جدیدی داشته باشد. طلا و نقره، کنایه از ثروت اندوزی، و اسب کنایه از مرکب و وسیله‌ی نقلیه است.
- سؤال: با اینکه خداوند زینت بودن مال و فرزند را پذیرفته است؛ ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ

۱. کهف، ۱۰۴.

۲. فاطر، ۸.

۳. انعام، ۴۳.

۴. غافر، ۳۷.

زينة الحیوة الدنيا»<sup>(۱)</sup> پس چرا این آیه در مقام انتقاد است؟ پاسخ: زینت بودن چیزی، غیر از دل بستگی به آن است. در این آیه انتقاد از دل بستگی شدید است که از آن به «حَبِّ الشَّهَوَاتِ» تعبیر می‌کند.

□ کلمه‌ی «بَنین» شامل دختران نیز می‌شود، نظیر اینکه می‌گوییم: عابرین محترم از پیاده‌رو حرکت کنند که شامل زنان عابر نیز می‌شود.

□ امام صادق علیه السلام با استناد به «حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...» فرمودند: مردم در دنیا و آخرت از چیزی بیشتر از زنان لذت نمی‌برند... اهل بهشت نیز بیش از هر چیز به نکاح تمایل دارند تا خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.<sup>(۲)</sup>

این روایت دلیل تقدّم «النساء» را بر دیگر موارد بیان می‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- علاقه‌ی طبیعی به مادیات، در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن، و عدم کنترل دل بستگی‌هاست.  
«زُیِّنَ لِلنَّاسِ...»
- ۲- جلوه‌ی دنیا برای مردم عادی است، نه افراد فرزانه.<sup>(۳)</sup> «زُیِّنَ لِلنَّاسِ»
- ۳- علاقه‌ی بیش از حدّ به زن و فرزند، بیش از هر چیز مایه‌ی دل بستگی انسان به دنیا می‌گردد. «حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنینِ»
- ۴- مراقب باشیم که زینت‌ها و جلوه‌های دنیا، مقدّمه‌ی غفلت از آخرت است.  
«زُیِّنَ لِلنَّاسِ... وَاللَّهِ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ»
- ۵- یکی از عوامل بد عاقبت شدن، شیفتگی و دل بستگی به دنیاست. زیرا عاقبت نیکو تنها نزد خداست. «زُیِّنَ لِلنَّاسِ... وَاللَّهِ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ»

۱. کهف، ۴۶.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۳. در نظر همسر فرعون که فرزانه‌ی تاریخ است، کاخ و طلای او بی‌ارزش است. «نَجَّیْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ». تحریم، ۱۱.

۶- یکی از شیوه‌های تربیتی، تحقیر مادیات و بیان عظمت معنویات است. ﴿ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأْتَبِ﴾  
 ۷- بهترین راه برای کنترل علائق مخرب، مقایسه آن با الطاف جاودانه‌ی الهی است. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأْتَبِ﴾

﴿۱۵﴾ قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

بگو: آیا شما را به بهتر از اینها (که محبوب شماست) خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا داشته باشند، نزد پروردگارشان باغهایی (بهشتی) است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است. برای همیشه در آنجا (بهره‌مند) هستند و همسرانی پاک (خواهند داشت) و رضا و خشنودی خداوند (شامل حالشان می‌شود) و خداوند به حال بندگان بیناست.

نکته‌ها:

□ در آخرین جمله از آیه قبل خواندیم که عاقبت نیک نزد خداوند است؛ ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأْتَبِ﴾ این آیه سیمایی از بهشت نیکوکاران را ترسیم می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- در دعوت مردم به حق، آنان را به مقایسه‌ی دنیا و آخرت دعوت کنیم. ﴿قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ...﴾
- ۲- دوام و ثبات بهشت، و رضایت خداوند کجا و لذائد موقت و ناپایدار دنیا کجا؟ ﴿ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ﴾
- ۳- افراد با تقوا، شیفته‌ی زرق و برق دنیا نمی‌شوند. ﴿مُتَّقِينَ﴾ در این آیه، در مقابل ﴿ناس﴾ در آیه‌ی قبل بکار رفته است.
- ۴- ملاک رسیدن به نعمت‌های آخرت، تقوی است. ﴿لِلَّذِينَ اتَّقَوْا﴾

- ۵- تشویق باید هماهنگ با خواسته‌های طبیعی و فطری باشد. «انهار، ازواج، خالدین»  
 ۶- پاکدامنی و پاکیزگی، برترین ارزش است. «أزواج مطهرة»  
 ۷- لذت‌های متّین تنها محدود به لذایذ مادی نیست، رضایت الهی بالاترین لذت معنوی است. «رضوان من الله»  
 ۸- ادعای تقوی را کم کنیم، خداوند بصیر و داناست. «والله بصیر بالعباد»

﴿۱۶﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا ءَامِنٌ فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

(پرهیزکاران) کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا! برآستی که ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببخش و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.

پیام‌ها:

- ۱- متّین، همواره در انابه و دعا هستند. «يقولون»
- ۲- ایمان، زمینه‌ی عفو الهی است. «آمنا فاغفرنا»
- ۳- عفو، از شئون ربوبیت و لازمه‌ی تربیت است. «ربنا... فاغفرنا»
- ۴- ترس از قهر و عذاب خداوند، از نشانه‌های تقواست. «قنا عذاب النار»
- ۵- به کارهای خوبتان اعتماد نکنید. با آنکه اهل تقوا هستید، باز هم از قهر الهی باید ترسید. «قنا عذاب النار»

﴿۱۷﴾ الصّٰبِرِیْنَ وَالصّٰدِقِیْنَ وَالقٰنِتِیْنَ وَالمُنْفِقِیْنَ وَالمُسْتَغْفِرِیْنَ

بِالْاَسْحَارِ

(پرهیزکاران، همان) صابران و راستگویان و فرمان برداران فروتن و انفاق‌کنندگان و استغفار‌کنندگان در سحرها هستند.

نکته‌ها:

- افراد با تقوی دارای ویژگی‌های ذیل هستند:
- ۱- صبر در برابر مشکلات، صبر بر ترک گناهان و صبر بر انجام واجبات.

- ۲- صداقت در گفتار و رفتار.
- ۳- خضوع و فروتنی در انجام دستورات، بدون غرور و خود برتر بینی.
- ۴- انفاق از هر چه خداوند به آنان روزی کرده است.
- ۵ - مناجات‌های سحری و آمرزش‌خواهی از خداوند. آری! سحر مناسب‌ترین زمان برای دعاست. (۱)
- در برخی روایات آمده است: اگر کسی یکسال به طور مداوم، در قنوت نماز شب هفتاد مرتبه استغفار کند، مشمول این آیه می‌شود. (۲)
- ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره‌ی «المستغفرین بالسحار» پرسید، حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می‌کرد. (۳)
- مفضل بن عمر می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نماز شب من فوت می‌شود و من بعد از نماز صبح آن را قضا می‌کنم؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد، ولی آن را برای خانواده‌ات آشکار نکن، چون آن را سئت می‌پندارند و در این صورت عمل به گفتار خداوند: «المستغفرین بالاسحار» را ابطال می‌کند. (۴)

## پیام‌ها:

- ۱- هم رسیدگی به خلق، هم عبادت خالق. «والمنفقین و المستغفرین بالاسحار»
- ۲- تقوا به معنای انزوا، بی‌خبری و گوشه‌گیری نیست، متقی باید جامع کمالات باشد. «الصابرين والصادقين...»

﴿۱۸﴾ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از استغفار در سحر، نماز در آن وقت است. تفسیر مجمع‌البیان.
۲. تفسیر اطیب‌البیان؛ من لایحضر، ج ۱، ص ۳۰۹.
۳. تهذیب‌الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۰.
۴. مستدرک، حدیث ۳۲۵۹.

خدایی که همواره به عدل و قسط قیام دارد، گواهی داده که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز به یگانگی او گواهی داده‌اند) جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست.

#### نکته‌ها:

- خداوند با ایجاد نظام واحد در هستی، بر یگانگی ذات خود گواهی می‌دهد، یعنی هماهنگی و نظم موجود در آفرینش، همه گواه بر حاکمیت قدرتی یگانه بر هستی است، چنانکه در دعای صباح می‌خوانیم: «یا مَنْ دَلَّ عَلٰی ذَاتِهِ بَدَاتِهِ»
- آفتاب آمد دلیل آفتاب      گر دلیلت باید از وی رُخ متاب
- امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از «اولوا العلم» در آیه، انبیا و اوصیا هستند.<sup>(۱)</sup>
- هر کجا تعدد هست، محدودیت نیز هست. خانه‌ی بی حدّ نمی‌تواند بیش از یکی باشد. اگر گفتیم: فلان چراغ، نور بی‌نهایت دارد، جایی برای چراغ دوم باقی نمی‌ماند. خدا بی‌نهایت است، زیرا اگر نهایت داشته باشد به نیستی برمی‌خورد و هیچ بی‌نهایتی قابل تعدد نیست، لذا خداوند قابل تعدد نیست و او یکتاست.

#### پیام‌ها:

- ۱- شهادت عملی، بهترین نوع شهادت است. هماهنگی در میان آفریده‌ها، بهترین نمونه‌ی گواهی بر یکتایی خداست. «شهد الله انه لا اله الا هو»
- ۲- راه ایمان به خدا، علم است و علم واقعی، انسان را با سرچشمه هستی آشنا می‌کند. «واولوا العلم»
- ۳- دانشمندان، در کنار فرشتگان قرار می‌گیرند. «والملائكة واولوا العلم»
- ۴- عدل الهی، در کنار توحید مطرح است. بر خلاف دیگر قدرتمندان که هر کجا احساس یکتایی و نداشتن رقیب و شریک کنند، زور می‌گویند، او یکتایی است که به پا دارنده‌ی عدل است. «لا اله الا الله... قائماً بالقسط»

۱. تفسیر نورالثقلین.



﴿۱۹﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا  
 مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ  
 اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

همانا دین (مورد پذیرش) نزد خداوند، اسلام (و تسلیم بودن در برابر فرمان  
 خداوند) است و اهل کتاب اختلافی نکردند، مگر بعد از آنکه علم (به حقایق  
 اسلام) برایشان حاصل شد، (این اختلاف) از روی حسادت و دشمنی میان  
 آنان بود و هرکس به آیات خداوند کفر ورزد، پس (بداند که) همانا خداوند  
 زود حساب است.

## پیام‌ها:

- ۱- ایمان به یگانگی، عدالت، عزت و حکمت خداوند (که در آیه قبل بود)،  
 زمینه‌ی تسلیم شدن انسان است. ﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾
- ۲- لازمه‌ی تسلیم بودن در برابر خداوند، پذیرش اسلام به عنوان آخرین دین  
 الهی است. ﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾
- ۳- تجاوز از مرزهای حق، سبب بروز اختلاف است. ﴿وما اختلف الذين... بغياً﴾
- ۴- سرچشمه‌ی بسیاری از اختلافات مذهبی، حسادت‌ها و ظلم‌هاست؛ نه جهل  
 و بی‌خبری. ﴿من بعد ما جائهم العلم﴾
- ۵- حسد، زمینه‌ی کفر است. ﴿بغياً... و من کفر﴾
- ۶- کتاب و علم، به تنهایی سبب نجات نمی‌گردند. ﴿اوتوا الكتاب، جائهم العلم، من یکفر﴾
- ۷- کسانی که آگاهانه ایجاد اختلاف می‌کنند، بزودی سبلی می‌خورند. ﴿سریع الحساب﴾

﴿۲۰﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ  
 أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ  
 تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ

(از این رو) پس اگر با تو به گفتگو و ستیز و محاجّه برخاستند، (با آنها مجادله مکن و) بگو: من و پیروانم روی به خدا تسلیم کرده‌ایم. و به اهل کتاب (یهود و نصاری) و اُمّیین (مشرکان بی‌سواد مکّه) بگو: آیا شما هم (در برابر خدا) تسلیم شده‌اید، پس اگر تسلیم شدند و اسلام آوردند همانا هدایت یافته‌اند، و اگر سرپیچی کردند (نگران مباش، زیرا) وظیفه‌ی تو فقط رساندن دعوت الهی است، (نه اجبار و اکراه) و خداوند به حال بندگان بیناست.

#### نکته‌ها:

- اینکه می‌گویند: سخن کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند، قانون کلی نیست. زیرا سخن پیامبر از دل بود، ولی بر دل کفّار نمی‌نشست. با آنکه حضرت از عمق دل می‌فرمود: «أَسْلَمْتُ وَجْهِي» من با تمام وجود تسلیم خدا هستم، اما گروهی اعراض می‌کردند؛ «وَإِنْ تَوَلَّوْا»
- محور اصلی دین، اسلام به معنای تسلیم حقّ بودن است که در آیه‌ی قبل و این آیه چهار بار مطرح شده است. «الاسلام، اسلمت، اسلمتم، اسلموا»

#### پیام‌ها:

- ۱- جدال و محاجّه، از خصلت‌های مخالفان انبیاست. «فان حَاجُّوكَ»
- ۲- ابلاغ رسالت و استدلال آری، ولی ستیز با افراد لجوج ممنوع. «فان حَاجُّوكَ فَقُلْ اسْلَمْتُ»
- ۳- به مجادلات بی‌نتیجه و بیهوده، پایان دهید. «فان حَاجُّوكَ فَقُلْ اسْلَمْتُ»
- ۴- در گفتگوها، موضع خود و یاران خود را صریح اعلام کنیم. «فان حَاجُّوكَ فَقُلْ اسْلَمْتُ... وَ مِنْ اتَّبَعِنَ»
- ۵- پیروان واقعی پیامبر، کسانی هستند که تسلیم خدا باشند. «اسْلَمْتُ وَجْهِي وَ مِنْ اتَّبَعِنَ»
- ۶- آنچه انسان را در برابر گفتگوهای مغرضانه حفظ می‌کند، اتصال به خداوند

است. ﴿اسلمت وجهی لله﴾

۷- انبیا با تمام وجود و با عشق و نشاط به خدا دل بسته‌اند. ﴿وجهی لله﴾

۸- توجه رهبر، باید هم به افراد با فرهنگ باشد و هم به عوام مردم. ﴿اوتوا الكتاب

و الامیین﴾

۹- کتاب‌های آسمانی، یک سند فرهنگی ارزشمند برای جوامع بشری است. در

آیه مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ فرهنگیان و عوام. ﴿اوتوا الكتاب و الامیین﴾

۱۰- هدایت واقعی، در سایه‌ی تسلیم بودن در برابر خداوند است. ﴿فان اسلموا فقد

اهدوا﴾

۱۱- انسان در انتخاب راه آزاد است، نه مجبور. ﴿فان اسلموا... وان تولوا...﴾

۱۲- علم و کتاب به تنهایی کافی نیست، چه بسا علم باشد، ولی تسلیم نباشد.

﴿اوتوا الكتاب... وان تولوا﴾

۱۳- ما مأمور انجام وظیفه‌ایم، نه ضامن نتیجه. ﴿انما عليك البلاغ﴾

۱۴- خداوند از طریق پیامبران، با مردم اتمام حجت می‌کند. ﴿فانما عليك البلاغ﴾

﴿۲۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ

يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

براستی کسانی که به آیات خداوند کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق

می‌کشند و کسانی از مردم را که فرمان به عدالت می‌دهند می‌کشند، پس آنان

را به عذابی دردناک بشارت ده.

#### نکته‌ها:

□ در تفسیر کبیر و مجمع البیان و قرطبی می‌خوانیم: بنی اسرائیل در اول روز آنهم در

یک ساعت، چهل و سه نفر از پیامبران الهی و یکصد و دوازده نفر از امران به

معروف را به درجه‌ی شهادت رساندند.

البته ناگفته پیداست که در زمان پیامبر اسلام ﷺ گروهی که انبیا را شهید کنند نبودند، ولی چون زنده‌ها به کار نیاکان خود راضی بودند، خداوند در این آیه، کسانی را که به خاطر رضایت قلبی، شریک جرم نیاکان هستند، با خطاب «بشْرهم» مورد انتقاد و تهدید قرار داده است.

□ سؤال: از شرایط و جوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که خطری در کار نباشد، ولی در این آیه از کسانی که برای نهی از منکر تا پای جان ایستاده‌اند، ستایش شده است، علت چیست؟

پاسخ: اولاً: شرایط افراد و نوع معروف و منکر تفاوت می‌کند؛ گاهی منکر، حکومت یزید است که امام حسین علیه السلام برای نهی از آن به کربلا می‌رود و شهید می‌شود، می‌فرماید: هدف من از این حرکت و قیام، امر به معروف و نهی از منکر است، اما گاهی منکر در این حد نیست، بلکه گناهی است که باید میان خطر و مفسده‌ی گناه و از دست دادن مال و جان و آبرو مقایسه و با توجه به اهمیت و اولویت عمل کرد. ثانیاً: شاید مراد از کسانی که در این آیه مورد ستایش قرار گرفته‌اند آنهایی باشند که خود پیش‌بینی شهادت نمی‌کردند، ولی ستمکاران آنان را به شهادت رساندند.

### پیام‌ها:

- ۱- از اعتقادات انحرافی و کفرآمیز، اعمال خطرناکی همانند قتل و کشتار انبیا سر می‌زند. «یکفرون بآیات الله و یقتلون النبیین...»
- ۲- در شرایطی، اظهار حق لازم است؛ اگرچه به قیمت شهادت انبیا و اولیا باشد.
- ۳- دشمنان برای حق پوشی، دست به کشتن پیامبران می‌زنند. «یقتلون النبیین»
- ۴- گاهی طاغوت‌ها برای کشتن فرزندگان با تبلیغات و شایعات و توجیهاات، کار خود را حق جلوه می‌دهند. «بغیر حق»
- ۵- نام کسانی که به عدالت دعوت می‌کنند و آمرین به معروف و ناهیان از منکر، در ردیف انبیا برده شده است. لذا کیفر قاتلان آنان نیز همچون قاتلان پیامبران است. «فبشْرهم بعذاب الیم»

﴿۲۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ  
مِنْ نَّاصِرِينَ

آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و هیچ یاورانی  
برای آنها نیست.

## پیام‌ها:

- ۱- گاهی یک انحراف، تمام اعمال شخص را تباه می‌کند. ﴿حبطت اعمالهم﴾
- ۲- برای گناهانی همچون پیامبرگشتی، شفاعتی در کار نیست. ﴿ما لهم من ناصرین﴾

﴿۲۳﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ  
اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

آیا ندیدی کسانی را که از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) بهره‌ای داده شدند،  
چون به کتاب الهی دعوت می‌شوند تا میانشان حکم کند، (وبه اختلافات پایان  
دهد) گروهی از آنان (باعلم و آگاهی) از روی اعراض روی بر می‌گردانند؟

## نکته‌ها:

- در تفاسیر آمده است که زن و مردی از یهود، با داشتن همسر مرتکب زنا شدند. آنان می‌بایست طبق قانون تورات سنگسار می‌شدند، ولی چون از اشراف بودند سعی بر این داشتند از اجرای دستور تورات بگریزند. آنها نزد پیامبر اسلام آمدند تا ایشان حکم کنند، آن حضرت نیز فرمان سنگسار داده و فرمودند: حکم اسلام نیز همانند حکم تورات است. آنها منکر حکم تورات شدند.
- ابن صوری که از علمای یهود بود، از فدک به مدینه فراخوانده شد تا تورات را بخواند. ابن صوری چون از ماجرا با خبر بود، هنگام خواندن آیات تورات، دستش را روی جملاتی می‌گذاشت تا آیه‌ی سنگسار دیده نشود. عبدالله بن سلام که در آن روز از علمای یهود بود و در آن جلسه حضور داشت، ماجرا را فهمید و موضوع

را بر ملا کرد.<sup>(۱)</sup>

□ این آیه هشرداری به مسلمانان است که مبادا شما هم مثل یهود به هنگام اجرای قانون قرآن، از دستور الهی رویگردان باشید و میان مردم تبعیض قائل شوید.

### پیام‌ها:

- ۱- کتاب قانون و داوری و حکم، کتاب آسمانی است. ﴿يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ﴾
- ۲- اسلام، دین انصاف و احترام به دیگران است. از علمای دیگر ادیان دعوت می‌کند تا کتاب خودشان را داور قرار دهند. ﴿يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ﴾
- ۳- همه‌ی علمای اهل کتاب بد نبودند. ﴿يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ﴾
- ۴- خطرناک‌تر از روی‌گردانی، قصد اعراض و لجاجت است. ﴿يَتَوَلَّى... مَعْرُضُونَ﴾
- ۵- قانون باید در مورد همه‌ی افراد، بالسویه اجرا شود. (با توجه به شأن نزول)

﴿۲۴﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي

دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

این (روی گردانی از حکم خدا) برای آن بود که اهل کتاب گفتند: هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی‌رسد. و این افتراها (و خیالبافی‌ها) آنان را در دینشان فریفته ساخت.

### نکته‌ها:

□ در قرآن، بارها شعارهای پوچ و خیال‌های باطل یهود نقل شده است. آنها می‌گفتند: ما نژاد برتر و محبوب خداییم و در قیامت جز آن چهل روزی که اجداد ما گوساله پرست بودند، عذابی به ما نخواهد رسید. و همین خیالها سبب غرور و انحراف آنها شد. اسرائیل امروز نیز برتری نژادی خود را باور داشته و برای رسیدن به آن، از هیچ ظلمی خودداری نمی‌کند.

۱. حکم اعدام و سنگسار زناکار، در سفر تشنیه باب ۲۲ و سفر لایان باب ۲۰ آمده است.

## پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه اعراض، عقائد خرافی و بی‌اساس است. ﴿هم معرضون ذلك بانهم...﴾
- ۲- خودبرتربینی، چه بر اساس دین و چه براساس نژاد، ممنوع و محکوم است.  
﴿لن تمسنا النار﴾
- ۳- احساس امنیّت و مصونیّت در برابر کیفر، مایه‌ی گمراهی است. ﴿لن تمسنا النار﴾
- ۴- یهود، قیامت و دوزخ را قبول و به گناهکاری خود اقرار داشتند. ﴿لن تمسنا النار الاّ اياماً معدودة﴾
- ۵- همه‌ی مردم در دادگاه الهی یکسان هستند. ﴿لن تمسنا النار... غرهم فی دینهم﴾

﴿۲۵﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ  
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

پس (کسانی که گمان می‌کنند از قهر خداوند دورند،) چگونه خواهد بود  
حالشان، آنگاه که آنان را در روزی که شکّی در آن نیست، گرد آوریم و به هر  
کس در برابر آنچه تحصیل کرده، پاداش یا کیفر داده شود و به آنان ستم  
نخواهد شد.

## پیام‌ها:

- ۱- یاد قیامت باشید و خرافات را کنار بگذارید. ﴿لن تمسنا النار... فكيف اذا جمعنا﴾
- ۲- کیفر و پاداش بر اساس عمل است، نه آرزو و گمان. ﴿لن تمسنا النار... وفيت كل نفس ما كسبت﴾
- ۳- هیچ عملی محو و نابود نمی‌شود، بلکه به صاحبش برگردانده می‌شود.  
﴿وفيت... ما كسبت﴾
- ۴- دادگاه الهی بر اساس عدالت تشکیل می‌شود و هرکس به جزای خود می‌رسد.  
﴿وفيت كل نفس... هم لا يظلمون﴾

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ  
 مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ  
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: خداوند! تو صاحب فرمان و سلطنتی. به هر کس (طبق مصلحت و حکمت  
 خود) بخواهی حکومت می‌دهی و از هر کس بخواهی حکومت را می‌گیری و هر  
 که را بخواهی عزت می‌بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می‌نمایی، همه خیرها  
 تنها به دست توست. همانا تو بر هر چیز توانایی.

#### نکته‌ها:

□ در تفاسیر می‌خوانیم که پیامبر اسلام ﷺ پس از آنکه مکه را فتح نمود، وعده‌ی  
 فتح ایران و روم را به مسلمانان داد. در آن موقع منافقان با تعجب به یکدیگر نگاه  
 می‌کردند که این آیه نازل شد. گروهی از مفسران، نزول آیه را در موقع حفر خندق  
 دانسته‌اند. آن زمان که پیامبر ﷺ کلنگ را بر سنگ زد و از آن جرقه‌ای برخاست،  
 فرمود: من در این جرقه‌ها فتح کاخ‌های مدائن و یمن را از جبرئیل دریافت کردم.  
 منافقان با شنیدن این سخن، لبخند تمسخر می‌زدند که این آیه نازل شد.

□ آنچه در این آیه در مورد اعطای عزت و ذلت از جانب خداوند آمده، طبق قوانین  
 و سنت اوست و بدون جهت و دلیل خداوند کسی را عزت نمی‌بخشد و یا ذلیل  
 نمی‌سازد. مثلاً در روایات می‌خوانیم: هر کس برای خداوند تواضع و فروتنی کند،  
 خداوند او را عزیز می‌کند و هر کس تکبر نماید، خدا او را ذلیل می‌گرداند.<sup>(۱)</sup>  
 بنابراین عزت و ذلت از خداست، ولی ایجاد زمینه‌های آن به دست خود ماست.

#### پیام‌ها:

۱- مالک واقعی تمامی حکومت‌ها خداست. مُلک برای غیر خدا، موقتی و



محدود است. ﴿مالك الملك﴾

۲- اکنون که مالک اوست پس دیگران امانتداری بیش نیستند و باید طبق رضای مالک اصلی عمل کنند. ﴿مالك الملك﴾

۳- اگر انسان مالک مُلک نیست چرا از داشتن آن مغرور و با از دست دادنش مأیوس شود! ﴿مالك الملك﴾

۴- خداوند به هر کس که شایسته و لایق باشد، حکومت می دهد. همان گونه که به سلیمان، یوسف، طالوت و ذوالقرنین عطا نمود. ﴿تؤتی الملك من تشاء﴾

۵- حکومت و حاکمیت، دلبستگی آور است. ﴿نزع﴾ به معنای کندن است و نشانه یک نوع دلبستگی است.

۶- عزّت و ذلّت به دست خداست، از دیگران توقع عزّت نداشته باشیم.<sup>(۱)</sup> ﴿تعزّ من تشاء و تذلل من تشاء﴾

۷- توحید در دعا و عبادت یک ضرورت است.<sup>(۲)</sup> ﴿بيدك الخير﴾

۸- آنچه از اوست، چه دادن ها و گرفتن ها، همه خیر است، گرچه در قضاوت های عجولانه ی ما فلسفه ی آن را ندانیم. ﴿بيدك الخير﴾

۹- سرچشمه ی بدی ها عجز و ناتوانی است. از کسی که بر هر کاری قدرت دارد چیزی جز خیر سر نمی زند. ﴿بيدك الخير انك على كل شيء قدير﴾

﴿۲۷﴾ تَوَلَّجُ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّجُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

(خداوندا!) تو شب را به روز و روز را به شب درآوری و زنده را از مرده و

مرده را از زنده بیرون آوری و هر که را خواهی بی شمار روزی می دهی.

۱. قرآن از کسانی که از غیر خدا عزّت می خواهند به شدّت انتقاد کرده و می فرماید: ﴿أيتنغون

عندهم العزّة فانّ العزّة لله جميعاً﴾ نساء، ۱۳۹.

۲. در مناجات شعبانیه می خوانیم: «الهی بیدک لا بید غیرک زیادتی و نقصی».

## نکته‌ها:

- این آیه و آیه، قبل دوازده مرتبه نشانه‌های قدرت خدا را نام برده است تا روح توحید را در انسان شکوفا کند.
- مراد از داخل کردن شب در روز و یا روز در شب، یا کم و زیاد شدن طول ساعات شب و روز در فصل‌های مختلف است و یا غروب و طلوع تدریجی. البته معنای اول روشن‌تر است.
- نمونه قدرت‌نمایی خداوند در بیرون آوردن زنده از مرده، آفریدن سلول زنده از مواد غذایی بی‌جان است.
- گاهی از کافران مرده دل، فرزندان مؤمن و زنده دل، و از مؤمنان زنده دل، فرزندان کافر و مرده دل ظاهر می‌شود<sup>(۱)</sup> که این یکی از مصادیق آیه است.
- مراد از رزق بی حساب، رزق فراوان و بی شمار است، نه آنکه حسابش از دست او خارج باشد. و ممکن است مراد آن باشد که رزق او خارج از محاسبات شماس است، و او از راهی که گمان نمی‌برید رزق می‌دهد.
- تفاوت مردم در رزق، یکی از حکمت‌های الهی است، تا مردم به یکدیگر نیازمند بوده و تشکیل زندگی اجتماعی دهند و صفات سخاوت و ایثار و صبر و قناعت در آنان شکوفا شود. زیرا در صورت یکسان بودن، این صفات شکوفا نمی‌شود. اما اگر یکی نعمتی داشت و دیگری کمتر داشت یا نعمتی دیگر داشت، مردم برای جبران کمبودها دور هم جمع می‌شوند و صفات تعاون و سخاوت از طرف دارنده نعمت، و صفات قناعت و عفت و صبر از سوی نادار شکوفا می‌شود.

## پیام‌ها:

۱- تغییرات شب و روز و پیدایش فصل‌ها یکی از برکات و الطاف الهی است.

﴿بیدك الخير... تولى الليل في النهار﴾

۱. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۲۸.

- ۲- علاوه بر آفرینش، هرگونه تغییر و تدبیر به دست اوست. ﴿تولج الليل في النهار﴾  
 ۳- قدرت خداوند محدود نیست. او از مرده، زنده و از زنده، مرده خارج می‌سازد. ﴿تخرج الحي من الميت و تخرج الميت من الحي﴾  
 ۴- سرچشمه لطف الهی بی‌انتهاست. رزق بی‌حساب، یعنی برای سرچشمه رزق محدودیتی نیست. ﴿ترزق من تشاء بغير حساب﴾

﴿۲۸﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَ يُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

نباید اهل ایمان، بجای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود برگزینند و هر کس چنین کند نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، مگر آنکه از کفار پروا و تقیه کنید (وبه خاطر هدف‌های مهم‌تر، موقتاً با آنها مدارا کنید) و خداوند شما را از (نافرمانی) خود هشدار می‌دهد و بازگشت (شما) به سوی خداوند است.

#### نکته‌ها:

- با توجه به قدرت بی‌انتهای الهی در آیات قبل، جایی برای پذیرفتن سلطه کفار نیست. ﴿بيدك الخير، تولج الليل، لا يتخذ...﴾
- در این آیه سیمای سیاست خارجی، شیوه‌ی برخورد با کفار، شرایط تقیه و جلوگیری از سوء استفاده از تقیه بیان شده است.
- تقیه، به معنای کتمان عقیده‌ی حق از ترس آزار مخالفان و ترک مبارزه با آنان به جهت دوری از ضرر یا خطر مهم‌تر است. تقیه، گاهی واجب و گاهی حرام است. قرآن در آیه ۱۰۶ سوره نحل، درباره‌ی تقیه سخنی گفته که شأن نزول آن عمار یاسر است.

#### پیام‌ها:

- ۱- پذیرش ولایت کفار از سوی مؤمنان، ممنوع است. ﴿لا يتخذ المؤمنون الكافرين

- اولیاء ﴿اگر مسلمانان جهان تنها به این آیه عمل می‌کردند الآن وضع کشورهای اسلامی این چنین نبود.﴾
- ۲- در جامعه اسلامی، ایمان شرط اصلی مدیریت و سرپرستی است. ﴿لایستخذ المؤمنون الکافرین اولیاء﴾
- ۳- ارتباط سیاسی نباید مُنجرّ به سلطه‌پذیری یا پیوند قلبی با کفار شود. ﴿لایستخذ المؤمنون الکافرین اولیاء﴾
- ۴- ارتباط یا قطع رابطه باید بر اساس فکر و عقیده باشد، نه بر اساس پیوندهای فAMILI، قومی و نژادی. ﴿المؤمنین، الکافرین﴾
- ۵- هرکس به سراغ کفار برود، خداوند او را به حال خود رها و از امدادهای غیبی خود محروم می‌سازد. ﴿و من یفعل ذلک فلیس من اللّٰه فی شیء﴾
- ۶- ارتباط ظاهری با کفار برای رسیدن به اهداف والاتر، در مواردی جایز است. ﴿الا ان تتقوا منهم تقیة﴾
- ۷- تقیه، برای حفظ دین است. مبدا به بهانه‌ی تقیه، جذب کفار شوید و از نام تقیه سوء استفاده کنید. ﴿یحذّركم اللّٰه نفسه﴾
- ۸- در مواردی که اصل دین در خطر باشد، باید همه چیز را فدا کرد و فقط باید از خدا ترسید. ﴿یحذّركم اللّٰه نفسه﴾
- ۹- یاد معاد، بهترین عامل تقواست. ﴿یحذّركم اللّٰه نفسه و الی اللّٰه المصیر﴾
- ۱۰- مبدا بخاطر کامیابی و رفاه چند روز دنیا، سلطه‌ی کفار را بپذیرید که بازگشت همه‌ی شما به سوی اوست. ﴿و الی اللّٰه المصیر﴾

﴿۲۹﴾ قُلْ اِنْ تَخْضَعُوْا مَا فِیْ صُدُوْرِكُمْ اَوْ تَبْدُوْهُ یَعْلَمُهٗ اللّٰهُ وَ یَعْلَمُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ وَ اللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

بگو: اگر آنچه در سینه‌ها دارید پنهان سازید یا آشکارش نمایید، خداوند آن را می‌داند و (نیز) آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خدا بر هر چیز تواناست.

## نکته‌ها:

□ آمدن این آیه به دنبال آیه‌ی تَقِيَّة، شاید اشاره به این باشد که مبادا به اسم تَقِيَّة، با کفّار پیوند پنهانی برقرار نمایید، بلکه بدانید خدا بر افکار و نیّات شما آگاه است.

## پیام‌ها:

- ۱- به کسانی که به اسم تَقِيَّة در صدد ارتباط با کفّار هستند، هشدار دهید. ﴿قُلْ انْخَفُوا﴾
- ۲- سینه‌ی انسان، صندوق اسرار اوست. ﴿تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ﴾
- ۳- علم خداوند به آشکار و پنهان، به زمین و آسمان، یکسان است. ﴿تَخَفُوا... تَبَدُّوا... يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾
- ۴- توجّه به علم خداوند، مایه‌ی زنده شدن وجدان مذهبی و مانع گناه و توجیه آن است. ﴿يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾
- ۵- از خدایی که به اسرار تمام آسمان‌ها آگاه است، چه چیز را می‌توان پنهان کرد؟ ﴿يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ﴾
- ۶- قدرت مطلق خداوند، پشتوانه تهدید او نسبت به مخالفان است. ﴿انْخَفُوا... وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

﴿۳۰﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهَا أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحَدَّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ  
وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ

روزی که هر کس، هر کار نیکی انجام داده حاضر بیابد و هرچه بدی کرده، آرزو می‌کندای کاش بین آن عمل و او فاصله‌ای دور می‌بود. و خداوند شما را از مخالفت امرش) بر حذر می‌دارد و (در عین حال) خداوند به بندگان مهربان است.

## نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، سخن از علم و قدرت خداوند بود، این آیه نمونه‌ای از علم و

قدرت الهی را بیان می‌کند. این آیه شبیه آیه ۴۹ سوره کهف است که می‌فرماید: در روز قیامت مردم تمام اعمال خود را در برابر خویش حاضر می‌یابند. در تفسیر برهان آمده است که امام سجّاد علیه السلام در هر جمعه در مسجد النبی هنگام موعظه، این آیه را برای مردم تلاوت می‌فرمود.

### پیام‌ها:

- ۱- اعمال انسان محو نمی‌شود و در قیامت در برابر او حاضر می‌گردد. ﴿محضراً﴾
- ۲- اعتقاد به حضور عمل در قیامت، مانع گناه است. ﴿محضراً﴾
- ۳- گنهکاران، در قیامت از اعمال خود شرم‌منده‌اند، اما چه سود؟ ﴿تودّ لو أنّ بینها﴾
- ۴- بسیاری از اعمالی که در دنیا مورد علاقه انسان است، در قیامت مورد تنفر او قرار خواهد گرفت. ﴿تودّ لو أنّ بینها و بینه أمداً بعيداً﴾
- ۵- در روز قیامت، پشیمانی سودی ندارد و آرزوها نشدنی است. کلمه (لو) در مورد آرزوهای نشدنی بکار می‌رود. ﴿لو أنّ بینها و بینه أمداً بعيداً﴾
- ۶- خدا پروایی، مانع گناه است. ﴿یحذّركم الله﴾
- ۷- سرچشمه‌ی هشدارهای الهی، محبت و رأفت اوست. ﴿یحذّركم الله نفسه والله رؤوف بالعباد﴾
- ۸- بیم و امید در کنار هم نقش تربیتی دارند. امید، به تنهایی سبب غرور، و بیم از تنهایی، سبب یأس می‌شود. ﴿یحذّركم الله نفسه... والله رؤوف بالعباد﴾
- ۹- لطف و رأفت خداوند شامل حال همه‌ی بندگان است. ﴿رؤوف بالعباد﴾

﴿۳۱﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند را دوست می‌دارید، پس مرا پیروی کنید، تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشد و خداوند بسیار بخشنده و مهربان است.

## نکته‌ها:

- درباره جایگاه پیامبر ولزوم اطاعت از او، در قرآن می‌خوانیم: ﴿مَنْ يَطْعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطاع الله﴾<sup>(۱)</sup> هرکس از پیامبر پیروی کند، قطعاً از خدا پیروی کرده است. و در جای دیگر: ﴿انَّ الَّذِينَ يَبِيعُونَكَ اِنَّمَا يَبِيعُونَ الله﴾<sup>(۲)</sup> بیعت با تو بیعت با خداست.
- شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: جانم فدایت، ما فرزندان خود را به نام‌های شما و پدرانمان می‌نامیم، آیا برای ما مفید است؟ حضرت فرمودند: مگر دین غیر از محبت است، خداوند فرموده: ﴿ان كنتم تحبون الله فاتبعوني﴾<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- هر ادعایی با عمل ثابت می‌شود.<sup>(۴)</sup> ﴿ان كنتم تحبون الله فاتبعوني﴾
- ۲- لازمه‌ی ایمان به خدا، پیروی از اولیای خداست. ﴿فاتبعوني﴾ (آری، اسلام منهای روحانیت واقعی، محکوم است).
- ۳- هر کس در عمل سست است، در حقیقت پایه‌ی محبت او سست است. ﴿تخبون... فاتبعوني﴾
- ۴- در راه اصلاح جامعه، از عواطف کمک بگیریم. ﴿ان كنتم تحبون الله﴾
- ۵- عمل، سخن و سکوت رسول خدا، حجت و قابل پیروی است. ﴿فاتبعوني﴾
- ۶- پیامبر معصوم است، زیرا فرمان پیروی عام و بی‌چون و چرا برای غیر معصوم، حکیمانه نیست. ﴿قل... فاتبعوني﴾
- ۷- اگر می‌خواهید خداوند شما را دوست بدارد، باید از سنت رسول الله پیروی کنید. ﴿فاتبعوني يحببكم الله﴾
- ۸- انسان می‌تواند به جایی برسد که رضای او، رضای خدا و پیروی از او، پیروی از خدا باشد. ﴿فاتبعوني يحببكم الله﴾

۱. نساء، ۸۰. ۲. فتح، ۱۰. ۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷. ۴. کار با سعی است نی با ادعا لیس للانسان الا ما سعی

- ۹- امتیاز دین الهی بر قوانین بشری، وجود عنصر محبت، الگوی عملی و صلاحیت قانون‌گزار است. «تَحْبُون... فَاتَّبِعُونِي يَحْبِبْكُمْ اللَّهُ»
- ۱۰- بهترین پاداش‌ها، پاداش معنوی است. محبوبیت نزد خدا و دریافت مغفرت، بهترین پاداش برای مؤمنان است. «يَحْبِبْكُمْ اللَّهُ»
- ۱۱- نشانه‌ی دوستی، سرپوش گذاردن روی بدی‌ها و برخورد با عفو و رحمت است. «يَحْبِبْكُمْ... يَغْفِرْ لَكُمْ»
- ۱۲- کارهای نیک، مایه‌ی آمرزش گناهان است. «فَاتَّبِعُونِي... يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»
- ۱۳- اطاعت و پیروی از پیامبر، موجب دریافت عفو الهی است. «فَاتَّبِعُونِي... يَغْفِرْ لَكُمْ»

﴿۳۲﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی کردند، (بدانید که) همانا خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

#### نکته‌ها:

- پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر آیات الهی، دستوراتی حکومتی داشت. دستوراتی که به تناسب زمان و مکان و افراد و شرایط تغییر می‌کرد. البته آنها نیز در پرتو وحی الهی بود، ولی در قرآن مطرح نگردیده بود و معنای اطاعت از رسول در کنار اطاعت خداوند، عمل به همان دستورات نبوی است.

#### پیام‌ها:

- ۱- رفتار و گفتار و کردار پیامبر حجت است، زیرا اطاعت از پیامبر در کنار اطاعت خداست. «اطيعوا الله و الرسول»
- ۲- محبوب شدن یا منفور شدن در نزد پروردگار، به دست خود ماست. «فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين»
- ۳- سرپیچی از فرمان پیامبر، برابر با کفر است. «ان الله لا يحب الكافرين»



﴿۳۳﴾ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ  
عَلَى الْعَالَمِينَ

براستی که خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر  
جهانیان برگزید.

نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل، دستور اطاعت از رسول صادر شد، این آیه دلیل آن را گزینش  
خداوند حکیم می‌داند که بر اساس برتری آنان بر دیگر مردم در کمالات است.
- برگزیدگی انبیا از طریق وحی، علم، ایمان و عصمت است.<sup>(۱)</sup>
- امام باقر علیه السلام در باره‌ی «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى... ذُرِّيَّةً...» فرمودند: ما از آن برگزیدگان و  
باقیمانده‌ی آن عترت هستیم.<sup>(۲)</sup>

پیام‌ها:

- ۱- انسان‌ها همه در یک سطح نیستند و خدای حکیم، بعضی را برگزیده است تا  
مسئولیت سنگین رسالت را بر دوش آنان بگذارد. ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى﴾
- ۲- اولین انسان، پیامبر خدا بوده تا بشر هیچ‌گاه بدون هدایت نماند. ﴿اصْطَفَى آدَمَ﴾
- ۳- جریان بعثت، در طول تاریخ بشر استمرار داشته است. ﴿اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا...﴾
- ۴- رسالت بعضی از انبیا، جهانی بوده است. ﴿عَلَى الْعَالَمِينَ﴾

﴿۳۴﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

فرزندانی که بعضی از آنان از (نسل) بعضی دیگرند (از پدران برگزیده زاده  
شده و در پاکی همانند یکدیگرند) و خداوند شنوای داناست.

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۱۷. ۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

## پیام‌ها:

۱- در طول تاریخ، دودمان نبوت از نسل پاکان بوده است. «اصطی... علی العالمین ذریه...»

۲- بعضی از ویژگی‌ها و کمالات از طریق وراثت منتقل می‌شود. «بعضها من بعض»

۳- خداوند حتی بر گفتار و رفتار برگزیدگان خود نظارت دارد. «اصطی... سمیع علیم»

﴿۳۵﴾ اِنْ قَالَتْ اَمْرَاتُ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّی نَذَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا  
فَتَقَبَّلْ مِنِّی اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ

(بیاد آور) هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! همانا من نذر کرده‌ام

آنچه را در رحم دارم، برای تو آزاد باشد (و هیچ‌گونه مسئولیتی به او

نسیارم تا تمام وقت خود را صرف خدمت در بیت‌المقدس کند)، پس از من

قبول فرما، که براستی تو شنوای دانایی.

## نکته‌ها:

□ چنانکه در تفاسیر و کتب روایی آمده است: دو خواهر به نام‌های «حنّه» و «اشیاع»، که اولی همسر «عمران» از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل، و دومی همسر زکریای پیامبر بود، بچه‌دار نمی‌شدند. روزی «حنّه» زیر درختی نشسته بود، پرنده‌ای را دید که به جوجه‌هایش غذا می‌دهد. محبت مادرانه، آتش عشق به فرزند را در وجود او شعله‌ور ساخت، در همان حال دعا کرد و مستجاب شد. از سوی دیگر به شوهرش الهام شد که فرزندش از اولیای خدا خواهد بود و بیماران را شفا و مردگان را زنده خواهد کرد.

وقتی «حنّه» حامله شد، پیش‌بینی کرد آن فرزندی که کارهای خارق‌العاده انجام دهد، پسر خواهد بود، لذا نذر کرد که فرزندش خدمتکار بیت‌المقدس شود. اما چون نوزاد به دنیا آمد، دیدند دختر است. آنها فهمیدند که آن الهام الهی در مورد

خود مریم نبوده است، بلکه درباره فرزند او خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- رشد معنوی زن تا آنجا بالا می‌رود که بعد از سالها انتظار، فرزند خود را نذر خدمت خانه خدا می‌کند. ﴿امرات عمران ربّ انّی نذرت لك﴾
- ۲- افراد دورانیش، قبل از تولّد فرزند به فکر مسیر خدمات او نیز هستند. ﴿نذرت لك ما فی بطنی محرراً﴾
- ۳- از خود بگذریم و تنها در راه خدا صرف کنیم. ﴿نذرت لك﴾
- ۴- خدمت در مسجد به قدری ارزشمند است که اولیای خدا عزیزان خود را قبل از تولّد نذر آن می‌کنند. ﴿نذرت لك...﴾
- ۵- موضوع نذر، تاریخی بس طولانی در ادیان الهی دارد. ﴿ربّ انّی نذرت﴾
- ۶- مادر، نوعی ولایت بر فرزند دارد. ﴿نذرت لك ما فی بطنی﴾
- ۷- میان گذشت از فرزند و برگزیدگی خداوند رابطه است. ﴿اصطفی... آل عمران... نذرت لك ما فی بطنی محرراً﴾
- ۸- کسانی در خدمات دینی موفق‌ترند که تمام وجود خود را صرف خدمت نمایند، نه بخشی از وقت را. ﴿محرراً﴾
- ۹- خدمت فرزند به مادر، حقّ طبیعی مادر و قابل گذشت است. ﴿محرراً﴾
- ۱۰- اگر عزیزترین و محبوب‌ترین چیزها را می‌دهید، به فکر قبولی آن نیز باشید. ﴿فتقبّل﴾

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّی وَضَعْتُهَا اُنْثٰی وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَیْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثٰی وَاِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَاِنِّی اُعِیْذُهَا بِكَ وَذُرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ

پس چون فرزند را به دنیا آورد گفت: پروردگارا! من دختر زاده‌ام - در حالی که خداوند به آنچه او زاده داناتر است و پسر مانند دختر نیست - و من نامش را مریم نامیدم و من او و فرزندانش را از (شرّ) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.

### نکته‌ها:

- مادر انتظار داشت فرزندش پسر باشد، تا بتواند خدمتکار بیت المقدّس شود، لذا چون نوزاد دختر به دنیا آمد، با حسرت گفت: پروردگارا! فرزند دختری زاده‌ام حال چگونه به نذر عمل کنم؟ امّا خداوند برای تسلّی خاطر این مادر می‌فرماید: آن پسری که انتظارش را داشتی به خوبی این دختر نیست، زیرا این دختر دارای کمالاتی است و مادرِ پسری می‌شود که او نیز مایه‌ی برکت خواهد بود، پس بهره‌ی تو از نسل مبارک چندین برابر خواهد شد.
- «مریم» به معنای «عابده» و «خادمه» است و این نام ۳۴ مرتبه در قرآن آمده است.

### پیام‌ها:

- ۱- تمایلات انسان مهم نیست، مصلحت و خواست خداوند مهم است. «والله اعلم بما وضعت»
- ۲- گاهی دختر در پاکی و پاکدامنی، به جایی می‌رسد که هرگز پسر به آن نمی‌رسد. «لیس الذکر کالأنثی»
- ۳- حضرت مریم مقام والایی دارد. «لیس الذکر کالأنثی» مراد از «الأنثی» زن خاصّی است.
- ۴- برای فرزندان خود، نام نیکو انتخاب نمایید. «انّی سمّیتها مریم»
- ۵- مادر، حقّ نامگذاری فرزند خود را دارد. «انّی سمّیتها»
- ۶- تغییرات جزئی، شما را از خدا و اهداف عالی دور نکند. با اینکه فرزند بر خلاف تصوّر دختر شد، امّا نام او را مریم که به معنای خادمه است گذاشت. «سمّیتها مریم»

- ۷- قبل از هر چیز، به فکر سلامتی فرزند از شر شیطان باشید. ﴿اعیذها﴾
- ۸- تنها فرزندان بلافصل را در نظر بگیرید و با دوراندیشی، نسل‌های بعدی را نیز در نظر داشته باشید. ﴿اعیذها بك و ذریتها﴾
- ۹- برای تأمین سعادت فرزند، تنها به تربیت خود متکی نباشیم، او را به خدا بسپاریم که توانایی‌های ما محدود و عوامل انحراف زیاد است. ﴿اعیذها بك﴾
- ۱۰- مادر مریم، جایگاهی خاص دارد. از بیان نذر او، اخلاص او، نام‌گذاری او و استعاذه او این برداشت استفاده می‌شود. ﴿نذرت لك، سمیتها، اعیذها بك﴾
- ۱۱- شیطان، دشمن دیرینه نسل بشر است. ﴿اعیذها... من الشیطان الرجیم﴾

﴿۳۷﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا  
كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ  
أَنْتِ لِكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ  
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می‌شد، خوراکی (شگفت‌آوری) نزد او می‌یافت. می‌پرسید: ای مریم این (رزق تو) از کجاست؟! مریم در پاسخ می‌گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هر کس که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد.

#### نکته‌ها:

- کسی که در راه خدا گام بردارد، دنیای او نیز تأمین می‌شود. مادر مریم فرزندش را برای خدا نذر کرد، خداوند در این آیه می‌فرماید: هم جسم او را رشد دادیم و هم سرپرستی مانند زکریا برای او قرار دادیم و هم مائده آسمانی بر او نازل کردیم.
- رزق بی حساب، به معنای نداشتن حساب نیست، بلکه به معنای خارج بودن از

محاسبات عمومی است. «یرزق من یشاء بغير حساب»

- حضرت مریم از نظر ظاهری و جسمی، رشد کامل و خوبی داشت. «فانبتها نباتاً حسناً»
- مادری همانند مریم، محل تربیتی مثل مسجد و سرپرستی همچون زکریای پیامبر و با تغذیه ای بهشتی، محصولش فرزندی چون عیسی می شود. عوامل مؤثر در تربیت عبارتند از:

روح پاک مادر. «تقبلها ربها بقبول حسن»

جسم سالم. «نباتاً حسناً»

تعلیم و تربیت الهی. «كفلها زكريا»

تغذیه پاک. «وجد عندها رزقاً»

- در تاریخ آمده است: زمانی قحطی مدینه را فراگرفت، روزی حضرت فاطمه عليها السلام مقداری نان و گوشت خدمت پیامبر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: در زمان قحطی این غذا کجا بوده است؟ حضرت فرمود: «هو من عند الله» پیامبر فرمود: خدا را شکر که تو را مانند مریم قرار داد. آنگاه پیامبر، حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را جمع کرد و از آن غذا همگی خوردند و به همسایگان نیز دادند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- پذیرش دعا، جلوه‌ای از ربوبیت الهی است. «تقبلها ربها»
- ۲- قبولی خداوند درجاتی دارد. خداوند نذر مادر مریم را به بهترین وجه پذیرفت. «بقبول حسن»
- ۳- کسی که با اخلاص است، خداوند کارش را به نیکی می‌پذیرد. «بقبول حسن»
- ۴- مادر مریم نذر کرد کودکش خادم خانه‌ی خدا شود، خداوند در پاسخ، پیامبرش را خادم و متکفل این کودک قرار داد. «كفلها زكريا»
- ۵- هر که تحت تکفل انبیا درآید، از شیطان دور می‌شود. «اعیذها... من الشيطان

۱. تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۲۹.

الرَّجِيمِ... وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ﴿

- ۶- عبادت، نباید موسمی و مقطعی باشد. ﴿كَلَّمَا دَخَلَ﴾  
 ۷- شرط تکفل، نظارت و تفحص است. ﴿كَفَّلَهَا... دَخَلَ عَلَيْهَا... أَنَّى لَكَ هَذَا﴾  
 ۸- عبادت، جنگ با شیطان و محلّ عبادت، محراب یعنی محلّ نبرد است. ﴿دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ﴾  
 ۹- رزق پاک در سایه‌ی عبادت است. ﴿الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾  
 ۱۰- زن می‌تواند بدان مقام رسد که پیامبر خدا را به شگفتی وادارد. ﴿أَنَّى لَكَ هَذَا﴾  
 ۱۱- صادر شدن کرامت از اولیای الهی، کار مشکلی نیست. ﴿هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾  
 ۱۲- نعمت‌ها را از او بدانید، نه از تلاش خود. ﴿هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾  
 ۱۳- خداوند می‌تواند خارج از اسباب مادی روزی بدهد. ﴿هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾  
 ۱۴- در شرایط و محیطی سالم، زن و مرد می‌توانند با هم سخن بگویند. ﴿أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾

﴿۳۸﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

در این هنگام زکریا (که این همه کرامت و مائده آسمانی را دید) پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی.

نکته‌ها:

- چنانکه قبلاً ذکر شد، مادر مریم با همسر زکریا خواهر بودند و هر دو عقیم و نازا. مادر مریم با دیدن صحنه‌ی غذا دادن پرنده به جوجه‌هایش متقلب شد و به درگاه خدا دعا کرد، خداوند نیز به او مریم را عطا کرد. در اینجا هم وقتی حضرت زکریا مقام و مرتبه‌ی مریم را دید، از خداوند طلب فرزند نمود.

## پیام‌ها:

- ۱- حالات انسان و ساعات دعا، در استجاب آن مؤثر است. ﴿هنالك دعا زكريا﴾
- ۲- غبطه خوردن کمال، ولی حسد ورزیدن نقص است. زکریا عليه السلام با دیدن مقام مریم عليها السلام شیفته شد و غبطه خورد و دست به دعا برداشت. ﴿هنالك دعا﴾
- ۳- زن می‌تواند پیامبر خدا را تحت تأثیر قرار دهد. ﴿هنالك دعا زكريا﴾
- ۴- مشاهده‌ی کمالات دیگران، زمینه‌ی درخواست کمالات و توجه انسان به خداوند است. ﴿هنالك دعا زكريا﴾
- ۵- درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست. ﴿هب لی... ذرية طيبة﴾
- ۶- ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنهاست. ﴿ذرية طيبة﴾
- ۷- در دعا باید از خداوند تجلیل کرد. ﴿انك سميع الدعاء﴾

﴿۳۹﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ  
بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَ سَيِّدًا وَّ حَصُوْرًا وَّ نَبِيًّا  
مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ

پس درحالی که زکریا در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق کننده‌ی (حقانیت) کلمه‌ی الله (حضرت مسیح) است و سیّد و سرور، و خویشتن‌دار (از زنان) و پیامبری از صالحان است.

## نکته‌ها:

- در تاریخ آورده‌اند که حضرت یحیی، ۶ ماه از حضرت عیسی بزرگ‌تر بود و چون در میان مردم به زهد و پارسایی معروف بود، ایمان او به پسرخاله‌ی خود حضرت عیسی، اثر عمیقی در توجه مردم به مسیح گذاشت. جالب آنکه معنای «عیسی» و «یحیی» یکی و هر دو به معنای «زنده ماندن» است.
- بعضی «حضور» را به معنای ترک ازدواج یحیی به خاطر مسافرت‌های زیاد



دانسته‌اند، ولی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: عفت یحیی باعث شد تا ازدواج نکند و از زنان کناره بگیرد.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- دعای خالصانه از قلب پاک مستجاب می‌شود. ﴿دعا زکریا... فنادته الملائكة﴾
- ۲- نماز، در ادیان پیشین نیز بوده است. ﴿یصلی فی المحراب﴾
- ۳- محراب مسجد، از قداست خاصی برخوردار است. محل نزول مائده آسمانی؛ ﴿وجد عندها رزقاً﴾ استجاب دعا. ﴿فنادته الملائكة... فی المحراب﴾
- ۴- نماز، زمینه‌ی نزول فرشتگان است. ﴿نادته الملائكة و هو یصلی فی المحراب﴾
- ۵- اراده‌ی خداوند بر هر چیزی غلبه دارد. پیری پدر و عقیمی مادر، مانع فرزنددار شدن نیست. ﴿ان الله یشرک بیحیی﴾
- ۶- گاهی نامگذاری افراد از طرف خداست. ﴿یشرک بیحیی﴾
- ۷- فرزند از نعمت‌ها و بشارت‌های الهی است. ﴿یشرک بیحیی﴾
- ۸- انبیا یکدیگر را تصدیق می‌کنند. ﴿مصدقا بکلمة من الله﴾
- ۹- حضرت عیسی نشانه‌ای از قدرت خداست، نه فرزند خدا. ﴿بکلمة من الله﴾
- ۱۰- خداوند از آینده هر کس خبر دارد. ﴿سیداً و حصوراً و نبیاً﴾
- ۱۱- عفت و کنترل تمایلات جنسی، مورد ستایش خداوند است. ﴿حصوراً﴾

﴿۴۰﴾ قَالَ رَبِّ اَنْیَ یَکُونُ لِی غُلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِی الْکِبَرُ وَاْمْرَاْتِی عَاقِرٌ قَالَ  
کَذٰلِکَ اَللّٰهُ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ

(زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که پیری من فرا رسیده و همسرم نازاست؟! (خداوند) فرمود: این چنین خداوند هر چه را بخواهد انجام می‌دهد.

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

## پیام‌ها:

- ۱- در نومیدی بسی امید است. «اَنْیَ یَکونَ لى غلام... کذلک یفعل ما یشاء»
- ۲- در بیان ضعف‌ها از خود شروع کنیم. «بلغنى الکبر و امرأتى عاقر»
- ۳- اراده‌ی خداوند، فوق وسائل و اسباب طبیعی است. «یفعل ما یشاء»

﴿٤١﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تَكَلَّمَ النَّاسُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا  
رَمْزًا وَأَذْكَرَ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

(زکریا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده (تا علم من به یقین و اطمینان تبدیل شود. خداوند) فرمود: نشانه‌ی تو آن است که تا سه روز با مردم سخن نکویی، مگر از طریق اشاره. (البته به هنگام ذکر خدا زیانت باز می‌شود. پس) پروردگار خود را (به شکرانه‌ی این نعمت) بسیار یاد کن و هنگام شب و صبح او را تسبیح گوی.

## پیام‌ها:

- ۱- خدایی که می‌تواند زبان را هنگام تکلم با مردم ببندد و هنگام ذکر خدا باز کند، می‌تواند از پدری پیر و مادری عقیم نیز فرزندی به دنیا بیاورد. «کذلک الله یفعل ما یشاء... الا تکلم الناس»
- ۲- انبیا، به دنبال رسیدن به مقام یقین و شهود هستند. «اجعل لی آیه»
- ۳- آنجا که خداوند بخواهد، سبب را از کار می‌اندازد و زبان قدرت حرف زدن را از دست می‌دهد. «لا تکلم الناس»
- ۴- هر چه لطف الهی بیشتر می‌شود باید یاد او نیز بیشتر شود. «واذکر ربک کثیراً»
- ۵- ذکر خدا هر چه بیشتر، بهتر. «واذکر ربک کثیراً»
- ۶- در میان ذکرهای خداوند، تسبیح جایگاه خاصی دارد. «واذکر ربک... و سبّح»

﴿۴۲﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ

عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و(بیاد آور) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است.

#### نکته‌ها:

- کلمه «اصطفی»، هر جا همراه حرف «علی» باشد، به معنای مقدم بودن و سرآمدشدن است و هر جا بدون آن باشد، به معنای انتخاب است.
- در تفاسیر المنار، قرطبی، مراغی، روح البیان و کبیر می‌خوانیم که سرآمد زنان جهان چهار نفرند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که مریم سرآمد زنان زمان خود بود، ولی فاطمه علیها السلام سرآمد زنان در طول تاریخ است.<sup>(۱)</sup> البته خداوند حکیم هرگاه شخصی را بر می‌گزیند، به جهت لیاقت‌ها و قابلیت‌های ویژه‌ی اوست.

#### پیام‌ها:

- ۱- فرشتگان، با غیر انبیا نیز سخن می‌گویند. ﴿قالت الملائكة يا مریم﴾
- ۲- زن می‌تواند به مقام ولیة اللہی برسد و خداوند برای او پیام بفرستد. ﴿ان الله اصطفاك﴾
- ۳- حضرت مریم، هم در کمالات برگزیده شد و هم بر سایر زنان برتری یافت. به همین جهت جمله ﴿اصطفاك﴾ دوباره تکرار شده است.
- ۴- حضرت مریم معصوم بوده است. ﴿طهرك﴾
- ۵- حضرت مریم الگوی زنان است. ﴿اصطفاك على نساء العالمين﴾

﴿۴۳﴾ يَمْرُؤُا أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

۱. تفسیر نورالثقلین.

ای مریم! (به شکرانه این همه نعمت)، برای پروردگارت خضوع کن و سجده  
بجای آور و با رکوع کنندگان رکوع نما.

### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، خداوند سه کمال داده شده به مریم عَلَيْهَا را یاد نمود: گزینش الهی؛ «اصطفاک» تطهیر الهی؛ «طهرک» و سرآمد دیگران شدن؛ «اصطفاک علی نساء العالمین» در این آیه سه مسئولیت از او می‌خواهد: قنوت؛ «أقنتی» سجده؛ «أسجدی» و رکوع؛ «ارکعی» پس هر نعمتی مسئولیتی را بدنبال دارد.

### پیام‌ها:

- ۱- افراد برجسته باید تواضع و عبادتشان بیشتر باشد. «یا مریم اقنتی...» (برای اولیای خدا، عبادات ویژه‌ای سفارش شده است، همانگونه که برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز شب واجب بود).
- ۲- نماز، رکوع و سجود، بهترین راه شکر است. در آیه قبل برگزیدگی خداوند مطرح شد که سزاوار شکر است. «اصطفاک... اقنتی»
- ۳- عبادت باید تنها برای پروردگار باشد. «لربک»
- ۴- عبادت، مایه‌ی تربیت انسان است. «ربک»
- ۵- نماز جماعت و عبادت دسته‌جمعی، قبل از اسلام نیز بوده است. «مع الراکعین»
- ۶- حضور زن در اجتماعات عبادی و اجتماعاتی که مردان نیز حضور دارند سفارش شده است. «مع الراکعین» به شرط آنکه زنان، مریم‌گونه رفتار نمایند.
- ۷- منتخبین و برگزیدگان، باید همراه توده‌ها و در متن جامعه باشند، نه جدا و منزوی از مردم. «ارکعی مع الراکعین»

﴿۴۴﴾ ذَلِكْ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ  
أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می‌کنیم. حال آنکه تو نزد آنان  
نبودی، آنگاه که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی) می‌افکندند تا (به وسیله  
قرعه معلوم شود که کدامیک) کفالت مریم را بر عهده بگیرد و نزد آنها نبودی  
آنگاه که (برای گرفتن سرپرستی مریم) با هم کشمکش می‌کردند.

#### نکته‌ها:

□ همانگونه که اشاره شد، پیش از تولد مریم مادرش نذر کرده بود که فرزندش خادم  
مسجد بیت‌المقدس باشد. لذا پس از تولد، نوزاد را در پارچه‌ای پیچیده به مسجد  
آورد و به بزرگان بنی اسرائیل گفت: این کودک نذر مسجد است. چون این مادر از  
خانواده‌ای بزرگ و محترم بود، بر سر گرفتن سرپرستی نوزاد، نزاع سختی<sup>(۱)</sup> در  
گرفت و بنا بر قرعه شد.

#### پیام‌ها:

- ۱- انبیا از طرف خدا بر گوشه‌ای از غیب آگاه می‌شوند. ﴿من انباء الغیب﴾<sup>(۲)</sup>
- ۲- حکایت‌های قرآن، تنها از طریق وحی برای رسول خدا کشف شد و قبل از آن  
نه در کتابی بود و نه در سینه‌ای. ﴿من انباء الغیب﴾
- ۳- یکی از راههای شناخت تاریخ پیشینیان، وحی است. ﴿ذالك من انباء الغیب﴾
- ۴- یکی از راههای حل اختلاف، قرعه است. ﴿يلقون اقلامهم﴾<sup>(۳)</sup>

۱. از تکرار جمله ﴿ما کنت لدهم...﴾ استفاده می‌شود که نزاع سخت بوده است.  
۲. یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن، گزارشات غیبی و نقل نهفته‌های تاریخ است.  
۳. امام باقر علیه السلام فرمود: اولین کسی که مورد قرعه قرار داده شد مریم علیها السلام بوده، و این قرعه کشی  
در زمان یتیمی آن حضرت بوده است. (من لایحضر، ج ۳، ص ۵۱؛ بحار، ج ۱۴، ص ۱۹۲)

- ۵ - یک گذشت از مادر و این همه کرامت برای فرزند. <sup>(۱)</sup> «نذرت... ایهم یکفل مریم»  
 ۶ - بزرگان، در قبول مسئولیت‌های مقدّس با هم رقابت می‌کنند. «ایهم یکفل مریم»

﴿٤٥﴾ اِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ  
 الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ  
 مِّنَ الْمُقَرَّبِينَ

(بیاد آور) آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و  
 نشانه‌ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می‌دهد. او  
 که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است.

#### نکته‌ها:

- در قرآن، از حضرت عیسی به «کلمه» یاد شده است که در فرهنگ قرآن، به معنای «مخلوق» می‌باشد. نظیر آیه ۱۰۹ سوره کهف که می‌فرماید: «قل لو كان البحر مداداً لكلمات ربّي لَفَنَدَ البحر قبل ان تنفذ كلمات ربّي» اگر دریاها برای نوشتن کلمات الهی مُرکّب شوند، دریاها تمام می‌شوند، ولی کلمات الهی به پایان نمی‌رسد.
- وصف «وجیهاً فی الدنيا و الآخرة» در قرآن تنها برای حضرت عیسی ﷺ آمده و در مورد شخص دیگری این صفت گفته نشده است.

#### پیام‌ها:

- ۱- مقام زن بدانجا می‌رسد که خداوند از طریق فرشتگان با وی سخن می‌گوید.  
 ﴿اذ قالت الملائكة يا مریم﴾
- ۲- فرزند، نعمت است. ﴿یَبَشِّرُک﴾
- ۳- عیسی فرزند خدا نیست، مخلوق خداست، ولی مخلوقی بس بزرگ و

---

۱. مادر مریم با آنکه سالها صاحب فرزند نمی‌شد، ولی به خاطر نذری که کرده است از فرزند دلبندهش می‌گذرد، و در مقابل بزرگان بنی اسرائیل برای سرپرستی او سر و دست می‌شکنند.

ناشناخته.<sup>(۱)</sup> ﴿کلمة منه﴾

- ۴- خداوند برای اولیای خود قبل از تولدشان نامگذاری می‌کند. ﴿اسمه المسیح﴾  
 ۵- کسی که از مریم متولد شده و دوران جنینی را طی کرده است، چگونه می‌تواند فرزند خدا باشد؟ ﴿عیسی بن مریم﴾  
 ۶- وجاهت دنیوی نیز یک ارزش است و کسب آن مانعی ندارد. ﴿وجیهاً فی الدنیا﴾

### ﴿۴۶﴾ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

(آن فرزندی که به تو بشارت داده شد) در گهواره، (به اعجاز) و در میان سالی

(به وحی) با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است.

#### نکته‌ها:

- سخن گفتن در گهواره، هم پیش‌گویی از آینده و هم معجزه‌ی حضرت مسیح است که در گهواره با مردم سخن گفت. گفتگو در بزرگی، پیش‌گویی دیگری است که او تا بزرگی زنده خواهد بود. همان‌گونه که خبر از شایستگی و وارستگی او نیز یک پیش‌گویی و بشارت است.

#### پیام‌ها:

- ۱- کسی که می‌تواند به مریم، بدون داشتن همسر فرزند دهد، می‌تواند در گهواره، زبان کودک او را به سخن گفتن باز کند. ﴿يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ﴾  
 ۲- آنجا که خدا بخواهد پاکدامنی را از اتهام پاک نماید، زبان بسته‌ی کودک را باز می‌کند. ﴿يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ﴾  
 ۳- در کودکی نیز می‌توان پیام الهی را به دیگران رساند.<sup>(۲)</sup> ﴿يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ﴾  
 ۴- آنجا که خدا بخواهد، کودک همانند بزرگسالان سخن می‌گوید. ﴿فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا﴾

۱. «کلمة» به صورت نکره آمده که رمز عظمت و ناشناختگی است.

۲. بعضی امامان همچون امام جواد، امام هادی و امام زمان علیهم‌السلام در کودکی به مقام امامت رسیده‌اند.

۵- از مادری صالحه چون مریم، فرزندی مثل عیسی پدید می آید. ﴿من الصالحین﴾

﴿۴۷﴾ قَالَتْ رَبِّ اَنْتَیْکُونُ لِیْ وَاَلَدٌ وَاَلَمْ یَمْسَسْنِیْ بَشْرًا قَالْ کَذٰلِکَ اَللّٰهُ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ اِنَا قَضٰی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهٗ کُنْ فَاَیْکُوْنُ

(مریم) گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی باشد، در حالی که هیچ انسانی با من تماس نداشته است؟ خداوند فرمود: چنین است (کار) پروردگار، او هر چه را بخواهد می آفریند. هرگاه اراده کاری کند، فقط به آن می گوید: باش، پس (همان لحظه) موجود می شود.

#### نکته ها:

- اراده‌ی خداوند سبب پیدایش و آفرینش موجودات است و می تواند بدون اسباب و وسیله مادی نیز بیافریند. او سبب ساز و سبب سوز است، گاهی تأثیر چیزی را از آن می گیرد و گاهی به چیزی اثر می بخشد. پیدایش و بقا و آثار همه چیز بسته به اراده و خواست اوست.
- خداوند در پاسخ زکریا فرمود: ﴿یفعل ما یشاء﴾ و در جواب مریم فرمود: ﴿یخلق ما یشاء﴾ شاید رمزش این باشد که فرزند برای بانوی بی شوهر شگفت آورتر از فرزند برای پیرمرد باشد.

#### پیام ها:

- ۱- ریشه سؤال و تعجب، اگر انکار و لجاجت نباشد مانعی ندارد. ﴿اَنْتَیْکُونُ لِیْ وَاَلَدٌ﴾ اولیای خدا نیز اراده خداوند در امور جهان را بر پایه‌ی اسباب و علل طبیعی می دانند و لذا اگر بشارت ویژه‌ای بر خلاف آن آمد، چگونگی آن را از خداوند می پرسند.
- ۲- آفرینش خداوند از راه غیر معمول، کار تازه‌ای نیست و عوامل طبیعی نیز منحصر در امور شناخته شده نیستند. ﴿کذٰلک﴾



- ۳- دست خداوند برای آفرینش باز است. آفریدن از راه اسباب طبیعی و غیر طبیعی برای خداوند یکسان است. ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ﴾
- ۴- شرط آفرینش، اراده‌ی حتمی الهی است. ﴿قَضَىٰ أَمْرًا... كُنْ فَيَكُونُ﴾

### ﴿۴۸﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرِينَ وَالْإِنْجِيلَ

و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می‌آموزد.

#### نکته‌ها:

- در تفاسیر شیعه و سنی می‌خوانیم که مراد از تعلیم کتاب، آموزش خط و نوشتن است و مراد از حکمت، آگاهی بر مصالح و مفاسد اشیا و افعال و اخلاق و عقاید است، خواه آثار دنیوی باشد، خواه اخروی.

#### پیام‌ها:

- ۱- یکی از اصول و شرایط رهبری الهی، داشتن آگاهی‌های لازم است. آگاهی براساس علم و حکمت و کتب آسمانی. ﴿يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ...﴾
- ۲- رهبر هر زمانی باید به حوادث و قوانین گذشته نیز آگاه باشد. خداوند به عیسی عليه السلام، تورات موسی عليه السلام را آموخت. ﴿والتوراة﴾

﴿۴۹﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي  
أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ  
اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ  
بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ  
إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و (عیسی را به) پیامبری به سوی بنی اسرائیل (فرستاد تا بگوید) که همانا من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام. من از گل برای شما

چیزی) به شکل پرنده می‌سازم، پس در آن می‌دمم، پس به اراده و اذن خداوند پرنده‌ای می‌گردد. و همچنین با اذن خدا کور مادرزاد و مبتلایان به پیسی را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم، براستی اگر ایمان داشته باشید در این معجزات برای شما نشانه و عبرتی است.

### نکته‌ها:

- هر جا احساس خطر می‌شود باید توجه بیشتر در کار باشد. در زنده کردن مردگان، شفا دادن کوران و سایر بیماران، خطر انحراف عقیده و غلو وجود دارد، لذا در این آیه دو بار و در آیه ۱۱۰ سوره مائده، چهار مرتبه مسأله اذن خدا مطرح شده است.
- رسالت عیسی علیه السلام که همراه با لطف یا قهر الهی بوده، مخصوص بنی اسرائیل است؛ «رسولاً الی بنی اسرائیل» ولی نبوت او که مقام تبلیغ و ارشاد بوده، برای تمام مردم است. همانند حضرت موسی که به او خطاب می‌شود: «اذهب الی فرعون اّنه طغی»<sup>(۱)</sup> ولی هنگامی که ساحران شهر، معجزه حضرت موسی را می‌بینند به او ایمان می‌آورند. بنابراین حضرت موسی یک مأموریت ویژه نسبت به شخص فرعون داشت و مأموریت دیگر برای ارشاد عمومی همه‌ی مردم.<sup>(۲)</sup>
- هر پیامبری باید معجزه‌ای داشته و معجزه‌اش نیز باید متناسب با شرایط و افکار مردم آن عصر باشد. امام رضا علیه السلام فرمود: عیسی علیه السلام در زمانی ظهور کرد که بیماری‌ها شیوع داشته و مردم به طبیب نیاز داشتند.<sup>(۳)</sup> لذا معجزات آن حضرت در جهت شفای بیماران بود.
- اگر ولی خدا از گِل پرنده‌ای می‌سازد، پس زنده شدن مردگان در روز قیامت با قدرت الهی کار مشکلی نیست.

۲. تفسیر المیزان ذیل آیه.

۱. طه، ۲۴.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۰.

پیام‌ها:

- ۱- معجزه، جلوه‌ای از ربوبیت خدا و در راستای هدایت و تربیت انسان‌هاست.  
﴿جئتكم باية من ربكم﴾
- ۲- اولیای خداوند با اذن او قدرت تصرف و تغییر در نظام آفرینش را دارند. ﴿انفخ فيه فيكون طيراً باذن الله﴾
- ۳- انبیا علم غیب دارند و حتی به جزئیات زندگی مردم آگاهند.<sup>(۱)</sup> ﴿انبيكم بما تأكلون و ما تدخرون في بيوتكم﴾

﴿۵۰﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضُ

الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

(عیسی فرمود:) من تصدیق کننده توراتی هستم که پیش‌روی من است و

(آمده‌ام) تا برخی از چیزهایی که بر شما (به عنوان تنبیه) حرام شده بود

برایتان حلال کنم. و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورم. پس، از

خداوند پروا و از من اطاعت کنید.

نکته‌ها:

- در این آیه، احترام به قانون قبلی، بشارت به تخفیف تکلیف، تأکید به تقوای الهی و اطاعت از رهبری، مطرح شده است.
- در آیه ۱۴۶ سوره انعام، خداوند می‌فرماید: به خاطر ستم یهودیان، آنان را تنبیه و هر حیوان ناخن‌دار را بر آنان تحریم کردیم و همچنین چربی و پیه گاو و گوسفند را جز مقداری که به استخوان و روده‌ها و کمر آنها چسبیده است، حرام ساختیم. شاید مراد از حرام‌هایی که در این آیه با آمدن عیسی ﷺ حلال می‌شود، همین

۱. امام صادق ﷺ فرمودند: حضرت عیسی در سن هفت سالگی به آنچه مردم در خانه‌هایشان مصرف یا ذخیره می‌کردند، خیر می‌داد. بحار، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

موارد باشد.

- هر کجا بنای اصلاح و ارشاد باشد، باید نکاتی را مراعات کرد:
- الف: اصول مشترکه و صحیح دیگران را پذیرفت. ﴿مصدقاً﴾
- ب: حتی المقدور به مقدّسات آنان احترام گذاشت. ﴿من التوراة﴾
- ج: فضای باز و آزادی‌ها را بشارت داد. ﴿لاحلّ لکم﴾
- د: در چارچوب قوانین الهی حرکت کرد. ﴿فاتقوا الله﴾

### پیام‌ها:

- ۱- پیامبران، یکدیگر را قبول دارند و تصدیق می‌کنند. ﴿و مصدقا...﴾
- ۲- دین، یک جریان است نه یک جرّقه، و همه‌ی انبیا دارای هدفی واحد هستند. ﴿و مصدقا لما بین یدی من التوراة﴾
- ۳- وعده‌ی محرومیّت زدایی، رفع محدودیّت‌ها و اعطای آزادی‌های صحیح و معقول، رمز استقبال مردم است. ﴿لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم﴾
- ۴- بعضی از محدودیّت‌ها در ادیان سابق، جریمه‌ی موقت الهی بوده‌اند، نه حکم دائمی الهی. ﴿لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم﴾
- ۵- انبیا همان گونه که دارای ولایت تکوینی هستند و قدرت تصرف در هستی را دارند؛ ﴿اخلق لکم﴾ صاحب ولایت تشریحی نیز هستند و قانون وضع می‌کنند. ﴿لاحلّ لکم...﴾
- ۶- تنها کسی حقّ دارد قانون را عوض کند که رسول خدا و دارای معجزه باشد. بعد از جمله ﴿احلّ لکم﴾ جمله ﴿جتکم بآیه﴾ آمده است.
- ۷- معجزه از شئون ربوبیّت الهی و برای هدایت و تربیت مردم است. ﴿آیه من ربکم﴾
- ۸- هر کس اهل تعصّب و تحجّر باشد و تغییرات بجا را نپذیرد، تقوا ندارد. ﴿لاحلّ لکم... اتقوا الله﴾
- ۹- لازمه‌ی تقوا، اطاعت از پیامبر است. ﴿فاتقوا الله و اطیعون﴾

## ﴿۵۱﴾ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

به راستی که خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستید که این راه مستقیم است.

## نکته‌ها:

- برخلاف انجیل‌های تحریف شده کنونی، که از خداوند به عنوان پدر عیسی ﷺ نام می‌برند، قرآن جمله‌ی «رَبِّي وَرَبُّكُمْ» را از زبان حضرت عیسی نقل می‌کند، تا با هرگونه تفکر غلط و ادّعی الوهیت درباره حضرت عیسی مبارزه کند. زیرا خداوند، پروردگار عیسی و سایر مردم است.
- حال که بناست راهی را طی کنیم، راه خدا و بندگی او را بپذیریم که راهی مستقیم و بدون انحراف است. در حالی که راههای دیگران دارای لغزشگاه‌ها، محدودیت‌ها و تابع هوس‌های درونی طاغوت‌هاست.

## پیام‌ها:

- ۱- فلسفه‌ی عبادت ما، ربوبیت خداوند است. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ»
- ۲- عیسی ﷺ در مخلوق بودن و تحت تربیت بودن، همانند سایر مردم است. «رَبِّي وَرَبُّكُمْ»
- ۳- عبادت و بندگی خدا، راه مستقیم سعادت است. «فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

## ﴿۵۲﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

پس چون عیسی از آنان (بنی اسرائیل) احساس کفر کرد، گفت: کیانند یاران من (در حرکت) به سوی خدا؟ حواریون (که شاگردان مخصوص او بودند) گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم که به خداوند ایمان آورده‌ایم، و تو (ای عیسی!) گواهی ده که ما تسلیم (خدا) هستیم.

## نکته‌ها:

- با اینکه بنی‌اسرائیل، زنده کردن مردگان و شفا دادن کوران را از حضرت عیسی علیه السلام دیدند، ولی باز هم لجاجت ورزیده و کفر می‌گفتند، به گونه‌ای که به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام، عیسی سخنان کفرآمیز آنان را می‌شنید. (۱)
- «خواریون» جمع «خواری» به معنای تغییر دهنده مسیر است. خواریون، کسانی بودند که مسیر انحرافی مردم را رها و به راه حق پیوستند. (۲) تعداد آنان دوازده نفر بود و اسامی آنان در انجیل متی و لوقا آمده است. امام رضا علیه السلام فرمود: آنان افرادی بودند که هم خود را پاک و نورانی کردند و هم برای پاک کردن دیگران کوشیدند. (۳)
- در کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: خواریون عیسی در مرحله عمل او را رها کردند، ولی خواریون ما انواع بلاها را به جان می‌خرند. (۴)

## پیام‌ها:

- ۱- هوشیاری در شناخت افکار و عقاید مردم، شرط رهبری است. «فلما أحس عیسی منہم الکفر»
- ۲- نفس عیسی، مرده را زنده می‌کند، کور مادر زاد را شفا می‌بخشد، اما انسان‌های لجوج از آن بهره‌ای نمی‌برند. «فلما احس عیسی منہم الکفر...»
- ۳- انبیا، گرفتار کفار لجوج بودند و یاران اندک داشتند. «احس عیسی منہم الکفر»
- ۴- بی‌تقوایی و عدم اطاعت از رهبری، نوعی کفر است. «فاتقوا اللہ واطیعون فلما احس عیسی منہم الکفر»
- ۵- شناخت نیروهای وفادار و سازماندهی و تمرکز آنان و جداسازی جبهه‌ی حق از باطل، برای رهبری و ادامه حرکت او ضروری است. «من أنصاری الی اللہ»
- ۶- تجدید بیعت با رهبری، ارزش سیاسی، اجتماعی و دینی دارا. «نحن انصار اللہ»

۱. بحار، ج ۱۴، ص ۳۷۳. ۲. التحقیق فی کلمات القرآن. ۳. تفسیر نمونه.

۴. کافی، ج ۸، ص ۲۶۸.

- ۷- انبیا، مردم را برای خدا می خواهند، نه خود. ﴿من انصاری الی الله... نحن انصارالله﴾  
 ۸- یاری کردن منادیان الهی، یاری خداوند است. ﴿نحن انصار الله﴾  
 ۹- سبقت در حمایت از رهبران دینی، دارای ارزش است. با اینکه حضرت عیسی طرفدارانی داشت، ولی خداوند از ایمان حواریون ستایش نموده، و این به خاطر سبقت و صراحت آنان است. ﴿من انصاری... نحن انصارالله﴾  
 ۱۰- مقام تسلیم در برابر خداوند، پس از مرحله ایمان است. ﴿امنا بالله... مسلمون﴾  
 ۱۱- انبیا، شاهدان و گواهان در قیامت هستند. ﴿واشهد باننا مسلمون﴾

### ﴿۵۳﴾ رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آورده‌ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

#### نکته‌ها:

- در عبارت «مع الشاهدين» معنای حمایت است که در عبارت «من الشاهدين» نیست. نظیر تفاوت «آمنوا به» و «آمنوا معه». چون در آیه‌ی قبل حضرت عیسی به عنوان شاهد مطرح شد، پس با شاهدان بودن یعنی همراه و یاور انبیا بودن.

#### پیام‌ها:

- ۱- لازمه‌ی ایمان، اطاعت از پیامبر است. ﴿آمنّا... واتبعنا الرسول﴾
- ۲- ایمان به تمام دستورات الهی لازم است. ﴿بما انزلت﴾
- ۳- از خداوند بخواهیم که ایمان ما را تثبیت کرده و ما را از حامیان انبیا قرار دهد. ﴿فاكتبنا مع الشاهدين﴾

### ﴿۵۴﴾ وَمَكْرُؤًا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ

و (دشمنان عیسی) تدبیر خود را (برای کشتن او) بکار بستند. خداوند نیز تدبیر خود را (برای حفظ او) بکار برد و خداوند بهترین تدبیر کننده است.

## نکته‌ها:

- امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از مکر خدا، کیفر مکر است و گرنه او اهل مکر نیست. (۱)
- گرچه آیه به یکی از سنت‌های الهی اشاره دارد، ولی با توجه به آیات قبل که حضرت عیسی کفر بنی اسرائیل را احساس کرد و با توجه به آیه بعد که خداوند عیسی علیه السلام را به آسمان بالا برد، استفاده می‌شود که مراد از مکر در اینجا، توطئه‌ی قتل حضرت عیسی است که گروهی در زمان آن حضرت برای خاموش کردن دعوت او نقشه‌ها کشیده و تدبیرها نمودند، حتی برای حبس و دستگیری و معرفی او جایزه تعیین و مقدمات اعدام و به دار آویختن او را فراهم کردند. اما خداوند نقشه‌ی آنها را نقش بر آب کرد و او را به بهترین شکل نجات داد.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند، پشتیبان اولیای خویش است. «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ»
- ۲- تدبیر و حرکت انسان، مقدمه‌ی قهر یا لطف خداوند است. «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ»
- ۳- کیفرهای الهی، با جرم بشر تناسب و سنخیت دارد. «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ»
- ۴- اراده و تدبیر خدا، بالاتر از هر تلاش، حرکت و تدبیر است. «وَاللَّهُ خَيْرَ الْمَاكِرِينَ»

﴿۵۵﴾ اِنْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَىٰ اِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ اِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَجَاعِلُ الَّذِيْنَ اَتَّبَعُوْكَ فَوْقَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ اِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَاَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فَيَمَّا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ

(بیاد آور) هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را (از زمین) برگرفته و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شده‌اند، پاک می‌کنم و تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری خواهم داد. سپس بازگشت شما به سوی من است، پس در آنچه اختلاف می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد.

۱. عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۲۶.



## نکته‌ها:

- نمونه عینی و عملی تدبیر الهی در برابر مکر دشمنان، در این آیه بیان شده است.
- امام باقر علیه السلام فرمود: معراج حضرت عیسی علیه السلام، در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان بوده است.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- برای سایر انبیا نیز معراج بوده است. ﴿رافعك الی﴾
- ۲- زندگی در میان کفار، مایه‌ی آلودگی، و دوری از آنها، مایه‌ی پاکی و طهارت است. ﴿مطهّرك من الذّین كفروا﴾
- ۳- پیشگویی غیبی غلبه‌ی مسیحیت بر یهود، از معجزات قرآن است. ﴿جاعل الذّین اتبعوك فوق الذّین كفروا﴾
- ۴- پیروی از انبیا، رمز پیروزی است. ﴿جاعل الذّین اتبعوك فوق الذّین كفروا﴾
- ۵- جهانی بودن اسلام، منافاتی با وجود اقلیت‌های مذهبی در پناه اسلام ندارد. از عبارت ﴿الی یوم القیامة﴾ استفاده می‌شود که یهود و نصاری تا قیامت می‌باشند.
- ۶- بازگشت همه به سوی خداست و او داور بی‌چون و چراست. ﴿الی مرجعکم﴾

﴿۵۶﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

و اما گروهی که کافر شدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت عذابشان می‌کنم و برای آنها هیچ یاورانی نیست.

﴿۵۷﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

۱. تفسیر نورالثقلین.

واما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پاداش‌های آنها را (خدا) بطور کامل خواهد داد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد.

#### نکته‌ها:

- در تفسیر اطیب البیان، نمونه‌ای از عذاب‌های دنیوی بنی اسرائیل، این‌گونه آمده است: ۳۷ سال پس از حضرت مسیح، شخصی به نام طیطوس که از قیصرهای روم بود، بر یهود مسلط شد و میلیون‌ها نفر از آنان را کشته و هزاران نفر را به اسارت گرفت. او دستور داد اموال آنان را به آتش کشیده و یا غارت کنند و اسیران آنها را طعمه‌ی درندگان کند.
- در کنار تهدید کفار، تشویق اهل ایمان لازم است، چنانکه در کنار ایمان، انجام کارهای نیک لازم است.

#### پیام‌ها:

- ۱- سروکار کفار با خود خداست. ﴿فاعذبهم﴾
- ۲- هرچه اتمام حجت بیشتر باشد، قهر خدا بر انکار کنندگان بیشتر خواهد بود. کسانی که زنده کردن مرده را از عیسی می‌بینند، ولی ایمان نمی‌آورند، مستحق هر نوع عذابی هستند. ﴿فاعذبهم عذاباً ایماً﴾
- ۳- گاهی خداوند در این دنیا نیز مجازات می‌دهد. ﴿فی الدنيا و الآخرة﴾
- ۴- در برابر قهر خدا، هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع باشد. ﴿و ما لهم من ناصرین﴾

﴿۵۸﴾ ذَلِك نَتَلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

(ای پیامبر!) آنچه بر تو می‌خوانیم، آیه‌ها و اندرز حکمت آمیز است.

#### پیام‌ها:

- ۱- برای رهبری صحیح و قاطع، نشانه‌های الهی و بیان محکم و مستدل لازم است. ﴿الایات والذکر الحکیم﴾

﴿۵۹﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ

همانا مثلی (آفرینش) عیسی نزد خداوند، همچون مثلی (آفرینش) آدم است که  
او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد.

#### نکته‌ها:

□ گروهی از نصاری وارد مدینه شده و به حضور پیامبر ﷺ رسیدند. آنان در گفتگو با پیامبر ﷺ ولادت عیسی ﷺ را بدون داشتن پدر، نشانه و دلیل الوهیت او عنوان کردند. این آیه نازل شد و جواب آنان را چنین بیان نمود: اگر تولد بدون پدر، دلیل خدا یا فرزند خدا بودن است، خلقت حضرت آدم که مهم‌تر است، چون نه پدر داشت و نه مادر. پس چرا شما آدم را خدا یا فرزند خدا نمی‌دانید؟!

#### پیام‌ها:

- ۱- مخالفان را از همان راهی که پذیرفته‌اند، به حق دعوت کنیم. مسیحیان پذیرفته‌اند که آدم مخلوق خداست، با اینکه پدر و مادر نداشت. ﴿مَثَلِ عِيسَى... كَمَثَلِ آدَم﴾
- ۲- استناد به تاریخ و تجربه‌های گذشته و ارائه نمونه‌های عینی بهترین راه دعوت است. ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَم﴾
- ۳- قدرت خداوند در خلقت، محدود نیست. ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾

﴿۶۰﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

حق، همان است که از جانب پروردگار توست، پس از تردید کنندگان مباش.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «مُتَرِّين» از «مَرِيَّة» به معنای شک و تردید است. عین این آیه در سوره‌ی بقره آیه ۱۴۷ نیز آمده است. با این آیه روشن می‌شود که سخن حق و پایدار تنها از

جانب خدایی است که خود حق و ثابت است و گرنه از انسان‌هایی که در طوفان هوسها و غرایز ثباتی ندارند، قانون و سخن پایدار را نمی‌توان انتظار داشت.

### پیام‌ها:

- ۱- بیان حق، رمز ربوبیت و تربیت است. «الحق من ربك»
- ۲- ثبات و حقانیت، جز در راه خدا، کلام خدا و قانون خداوند، وجود ندارد. «الحق من ربك»
- ۳- تعداد زیاد مخالفان، تلاش و فعالیت آنان، و ثروت و تبلیغاتشان، نباید در حقانیت راه و عقاید ما تأثیر گذارد. «فلا تكن من المترین»

﴿٦١﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ  
أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ  
نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ

پس هر که با تو، بعد از علم و دانشی که به تو رسیده است، درباره او (عیسی) به ستیز و محاجه برخیزد (و از قبول حق شانه خالی کند) بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان را (کسی که به منزله خودمان است) و خودتان را بخوانیم. سپس (به درگاه خدا) مباحله و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

### نکته‌ها:

- واژه‌ی «نَبْتَهِلْ» از ریشه‌ی «ابتهال» به معنای بازکردن دست‌ها و آرنج‌ها برای دعا، به سوی آسمان است و این آیه به دلیل این واژه، به آیه‌ی مباحله معروف گشته است. مباحله، یعنی توجه و تضرع دو گروه مخالف یکدیگر، به درگاه خدا و تقاضای لعنت و هلاکت برای طرف مقابل که از نظر او اهل باطل است.<sup>(۱)</sup>

۱. التحقیق فی کلمات القرآن.

در تفاسیر شیعه و سنی و برخی کتب حدیث و تاریخ می خوانیم که در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا ﷺ مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران از بلاد یمن شدند. مسیحیان نجران نیز هیئتی را به نمایندگی از سوی خود برای گفتگو با پیامبر اسلام ﷺ به مدینه گسیل داشتند. با وجود گفتگوهایی که میان آنان و پیامبر ﷺ رد و بدل شد، باز هم آنان بهانه جویی کرده و در حقانیت اسلام ابراز تردید می کردند. این آیه نازل شد و خطاب به پیامبر فرمود: به کسانی که با تو محاجّه و جدال کرده، و از قبول حقّ شانه خالی می کنند، بگو: بیاید با فراخواندن فرزندان و زنان و خودمان، خدا را بخوانیم و با حالت تضرّع و ابتهال بر دروغگویان نفرین کنیم و هر نفرینی که دامن گروه مقابل را گرفت، معلوم می شود که راه او باطل است و با این وسیله به این گفتگو و جدال پایان دهیم.

هنگامی که نمایندگان مسیحیان نجران، پیشنهاد مباحله را از رسول اکرم ﷺ شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده و متحیر ماندند. آنان مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند. بزرگ نصاری به آنها گفت: شما پیشنهاد را بپذیرید و اگر دیدید که پیامبر با سر و صدا و جمعیتی انبوه برای نفرین می آید، نگران نباشید و بدانید که خبری نیست، ولی اگر با افراد معدودی به میدان آمد، از انجام مباحله صرف نظر و با او مصالحه کنید.

روز مباحله، آنها دیدند که پیامبر اسلام ﷺ همراه با دو کودک و یک جوان و یک زن بیرون آمدند. آن دو کودک، حسن و حسین علیهما السلام و آن جوان، علی بن ابی طالب علیه السلام و آن زن فاطمه ی زهرا علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

أسقف مسیحیان گفت: من چهره هایی را می بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه از جا کنده شود، کنده می شود. اگر این افراد نفرین کنند، یک نفر مسیحی روی زمین باقی نمی ماند. لذا از مباحله اعلام انصراف کرده و حاضر به مصالحه شدند.<sup>(۱)</sup>

۱. پیامبر ﷺ فرمودند: سوگند به کسی که مرا پیامبر حقّ قرار داد، اگر مباحله انجام می گرفت، آن وادی آتش را بر آنان فرو می ریخت. تفسیر مجمع البیان؛ مناقب ابن مغازی، ص ۲۶۳.

این ماجرا، علاوه بر تفاسیر شیعه، در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده است.<sup>(۱)</sup>

□ روز مباحله، بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی الحجّه بوده و محل آن در روزگار پیامبر ﷺ در بیرون شهر مدینه بوده که اکنون داخل شهر قرار گرفته و در آن محل، مسجدی به نام «مسجد الاجابه» ساخته شده است. فاصله‌ی این مسجد تا مسجد النبی تقریباً دو کیلومتر است. «اللهم ارزقنا زیارته و شفاعته»

□ بر اساس روایتی در تفسیر المیزان، دعوت به مباحله مخصوص نصاری نبوده و پیامبر ﷺ از یهودیان نیز برای مباحله دعوت کردند.

مباحله، خاصّ زمان پیامبر ﷺ نبوده است، بلکه براساس برخی از روایات، دیگر مؤمنان نیز می‌توانند مباحله کنند. امام صادق علیه السلام در این باره دستوراتی داده‌اند.<sup>(۲)</sup>

□ سؤال: در این ماجرا تنها فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشت، پس چرا قرآن کلمه‌ی جمع «نساتنا» را بکار برده است؟

پاسخ: در قرآن مواردی است که خداوند از یک نفر به صورت «جمع» یاد می‌کند، مانند آیه ۱۸۱ سوره آل عمران که یک نفر از روی توهین گفت: خدا فقیر است، ولی آیه به صورت جمع می‌فرماید: «الذین قالوا ان الله فقیر» چنانکه قرآن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: ابراهیم یک امت است، با آنکه یک نفر بیشتر نبود.

□ گرچه پیامبر می‌توانست خود شخصاً نفرین کند و کاری به علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نداشته باشد، ولی خدا و رسول، با این عمل به ما فهماندند که این

۱. صاحب تفسیر المیزان در جلد سوم صفحه ۲۵۷ آورده است که ماجرای مباحله را ۵۱ نفر از صحابه به اتفاق نظر نقل کرده‌اند. تفاسیر کبیر، آلوسی و مراغی ذیل آیه، در کتاب الکامل ابن اثیر جلد دوم صفحه ۲۹۳، مستدرک حاکم جلد سوم صفحه ۱۵۰، مسند احمد حنبل جلد اول صفحه ۱۸۵ و همچنین تفاسیر روح البیان، المنار و ابن کثیر و بسیاری از منابع شیعی و سنی دیگر، این واقعه را ضبط و نقل کرده‌اند. در کتاب احقاق الحق جلد سوم صفحه ۴۶ نیز نام شخصیت نفر از بزرگان اهل سنت را آورده است که همگی گفته‌اند: این آیه در عظمت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اوست.

۲. تفسیر نورالثقلین ج ۱، ص ۳۵۱؛ اصول کافی، ج ۲، باب مباحله.

افراد، یاران و شریکان رسول خدا در دعوت به حق و هدف او هستند و همراه او آماده‌ی استقبال از خطر بوده و تداوم‌گر حرکت او می‌باشند.

## پیام‌ها:

- ۱- اگر انسان ایمان به هدف داشته باشد، حاضر است خود و نزدیک‌ترین بستگانش را در معرض خطر قرار دهد. ﴿من بعد ما جائك من العلم﴾
- ۲- آخرین بر برنده و سلاح برنده مؤمن، دعاست. ﴿فقل تعالوا ندع﴾
- ۳- فرزند دختری، همچون فرزند پسری، فرزند خود انسان است. ﴿ابنائنا﴾ بنابراین امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان پیامبرند.
- ۴- زن و مرد در صحنه‌های مختلف دینی، در کنار همدیگر مطرحند. ﴿نساءنا﴾
- ۵- در دعا، حالات اهل دعا مهم است، نه تعداد آنها. گروه مباهله کننده پنج نفر بیشتر نبودند. ﴿ابنائنا، نساءنا، انفسنا﴾
- ۶- علی بن ابی طالب علیه السلام، جان رسول الله صلی الله علیه و آله است. ﴿انفسنا﴾
- ۷- در مجالس دعا، کودکان را نیز با خود ببریم. ﴿ابنائنا﴾
- ۸- اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مستجاب الدعوة هستند. ﴿ابنائنا، نساءنا، انفسنا﴾
- ۹- استمداد از غیب، پس از بکارگیری توانایی‌های عادی است. ﴿نبتهل﴾
- ۱۰- کسی که منطق و استدلال و معجزه، او را به پذیرش حق تسلیم نمی‌کند، باید با او مباهله کرد. ﴿تعالوا... نبتهل﴾
- ۱۱- اگر مؤمنان محکم بایستند، دشمن به دلیل باطل بودنش عقب نشینی می‌کند. ﴿ندع... نبتهل﴾
- ۱۲- استدلال را باید با استدلال پاسخ داد، ولی مجادله و لجاجت باید سرکوب شود. ﴿لعنة الله على الكاذبين﴾

﴿۶۲﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

به راستی، داستانِ درستِ (زندگی مسیح) همین است و هیچ معبودی جز خداوند نیست و همانا خداست مقتدر حکیم.

### ﴿۶۳﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

پس اگر از حقّ روی گردان شدند، همانا خداوند به (کار و حال) مفسدین آگاه است.

#### نکته‌ها:

□ داستان‌هایی که بر سر زبان‌هاست، بر سه نوعند:

- ۱- رمان‌ها، افسانه‌ها و اساطیری که بر پایه خیال بوده و غیر واقعی هستند.
- ۲- داستان‌های تاریخی که گاهی راست و مستند و گاهی آمیخته با دروغ و امور نادرست هستند.
- ۳- رویدادهایی که از زبان وحی به ما رسیده‌اند، براساس حقّ هستند. داستان‌های قرآنی، همه از این نوع هستند و در آنها وهم، خیال، دروغ و نادرستی راه ندارد.

#### پیام‌ها:

- ۱- اگر قرآن نبود، چهره‌ی واقعی حضرت مسیح، آلوده با خرافات و مشوّه باقی می‌ماند. ﴿إِنَّ هَذَا لَهُ الْقَصَصَ الْحَقُّ﴾
- ۲- تکرار شعار توحید و پایداری در برابر خرافات، لازم است. ﴿مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ﴾
- ۳- هر داستانی درباره پیامبران، که با توحید منافات داشته باشد، ساختگی و باطل است. ﴿لَهُ الْقَصَصَ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ﴾
- ۴- روی‌گردانی انسان از کلام حق، نشانه‌ی اختیار اوست. ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا﴾
- ۵- اعراض از حق، نمونه‌ای از فساد است، و اعراض کننده مفسد می‌باشد. ﴿تَوَلَّوْا... مُفْسِدِينَ﴾
- ۶- علم خداوند به کارهای مفسدان، بزرگترین هشدار است. ﴿عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ﴾



﴿۶۴﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ  
 إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ  
 دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیابید که میان ما و شما مشترک است. جز  
 آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما  
 بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباز زدند،  
 بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم.

#### نکته‌ها:

- دعوت به سوی توحید و حق، لازم است. خواه با استدلال، خواه با مباحله و خواه از طریق دعوت به مشترکات.
- در تفسیر مراغی آمده است: عدی بن حاتم بعد از اسلام آوردن، به پیامبر ﷺ عرض کرد: ما زمانی که مسیحی بودیم، هرگز یکدیگر را «رَبِّ» خود قرار نمی‌دادیم، پس مراد از جمله‌ی «لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا» چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آیا علمای شما احکام خدا را تغییر نمی‌دادند؟ گفت: چرا! فرمودند: پیروی از عالمی که قانون خدا را تغییر دهد، یک نوع بندگی و بردگی اوست.

#### پیام‌ها:

- ۱- مسلمانان باید بر سر مشترکات، با اهل کتاب به توافق برسند. ﴿قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة...﴾
- ۲- باید در دعوت به وحدت، پیش قدم بود. ﴿قل یا اهل الکتاب﴾
- ۳- اگر به تمام اهداف حق خود دست نیافتید، از تلاش برای رسیدن به بعضی از آن خودداری نکنید. ﴿تعالوا الی کلمة...﴾
- ۴- یکی از مراحل تبلیغ، دعوت به مشترکات است. ﴿کلمة سواء بیننا و بینکم﴾ قرآن می‌تواند محور مشترک خوبی برای دعوت باشد، زیرا هم تاریخ انبیا را دارد و

- هم از تحریف به دور بوده است.
- ۵- در تبلیغ و دعوت دیگران، باید به عقاید حقّه و مقدّسات طرف مقابل، احترام گذارد. ﴿کلمة سواء بیننا و بینکم﴾
- ۶- یگانه پرستی و بیزاری از شرک، از مشترکات تمام ادیان آسمانی است. ﴿کلمة سواء... الا نعبد الا الله﴾
- ۷- توحید، سبب تعالی انسان است. «تعالوا» در جایی بکار می‌رود که دعوت به رشد و بالا آمدن باشد. ﴿تعالوا... الا نعبد الا الله﴾
- ۸- اطاعت بی‌چون و چرا از دیگر انسان‌ها، نشانه‌ی پذیرش نوعی ربوبیت برای آنها و یک نوع عبودیت برای ماست. در حالی که همه‌ی انسان‌ها با یکدیگر مساوی هستند. ﴿لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً﴾
- ۹- اندیشه‌ی آزاد و شخصیت مستقل، شعار قرآن است. ﴿لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً﴾
- ۱۰- اعراض و سرپیچی مخالفان نباید در اراده و ایمان ما اثر بگذارد. ﴿فان تولّوا فقولوا اشهدوا بانّا مسلمون﴾
- ۱۱- هر مبلغی باید سرپیچی و اعراض مردم را پیش بینی کند تا مایوس نشود. ﴿فان تولّوا فقولوا اشهدوا...﴾
- ۱۲- پس از استدلال و برهان، جدل را قطع کنید. ﴿فان تولّوا فقولوا...﴾
- ۱۳- بندگی خدا، نفی شرک و طرد حاکمیت غیر خداوند، از ویژگی‌های یک مسلمان واقعی است. ﴿اشهدوا بانّا مسلمون﴾

﴿٦٥﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَ  
الْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ای اهل کتاب! چرا درباره‌ی ابراهیم گفتگو و نزاع می‌کنید؟ (و هر کدام او را پیرو آیین خود می‌دانید، در حالی که تورات و انجیل، پس از او نازل شده است، چرا تعقل نمی‌کنید؟

## نکته‌ها:

□ هر یک از یهود و نصاری، ابراهیم علیه السلام را از خود می‌دانستند و به قدری بازار این ادّعا داغ بود که قرآن در دو آیه‌ی بعد می‌فرماید: «ماکان ابراهیم یهودیّاً ولا نصرانیّاً» این آیه برای پوچی ادّعی آنها می‌گوید: چگونه شما ابراهیم را که قبل از تورات و انجیل بوده، تابع آن دو کتاب می‌دانید؟ کتابی که هنوز نازل نشده است، پیرو ندارد. آیا حاضر نیستید این مقدار هم فکر کنید که لااقل حرف شما با تاریخ منطبق باشد.

## پیام‌ها:

- ۱- هنگام موعظه، از القاب متین و عناوین فرهنگی مخاطبین استفاده شود. «یا اهل کتاب»
- ۲- علم و کتاب، از چنان ارزشی برخوردارند که منسوبین به آن نیز محترمند. اهل کتاب، اهل قلم، اهل علم. «یا اهل کتاب»
- ۳- سعی نکنید با انتساب شخصیت‌ها به خود، حقانیت خود را اثبات کنید. «لم تحاجون فی ابراهیم» به جای نزاع در انتساب شخصیت‌های والا، از فکر آنان پیروی کنید.
- ۴- ادّعاهای خود را مستند و هماهنگ با منطق و فطرت و تاریخ قرار دهید. «وما أنزلت التورات»

﴿۶۶﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ حَآجَجْتُمْ فِیْمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِیْمَا لَیْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ یَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

هان (ای اهل کتاب!) شما همانان هستید که درباره (حضرت عیسی و) آنچه بدان علم داشتید محاجّه و نزاع کردید، پس چرا درباره (ابراهیم و) آنچه بدان علم ندارید نزاع می‌کنید؟ در حالی که خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

## نکته‌ها:

□ این آیه تذکر و هشدار است به اهل کتاب، که شما در مورد آنچه بدان علم و آگاهی دارید، اشکال تراشی و سؤالات بی جا می‌کنید. با آنکه شما زندگی طبیعی حضرت عیسی و نیاز او به غذا و مسکن و لباس را دیده‌اید، ولی باز هم در مورد او به گفتگو نشستید. گروهی او را دروغگو و گروهی فرزند خدا می‌پندارید.<sup>(۱)</sup> و یا در شناخت محمد ﷺ که نشانه‌هایش در تورات و انجیل آمده و برای شما شناخته شده است، به بحث و گفتگو می‌پردازید.<sup>(۲)</sup> شما که درباره معلومات، اهل جدال و بحث هستید و به نقطه‌ی توافقی نمی‌رسید، دیگر چه کار به مسأله‌ای دارید که در مورد آن علم ندارید؟ مثل اینکه مذهب حضرت ابراهیم چه بوده است؟

## پیام‌ها:

- ۱- افراد مغرور و لجوج را تحقیر کنید. ﴿هَانَتْمْ هُوَاءٌ﴾
- ۲- افراد لجوج، حتی در امور روشن به نزاع می‌نشینند. ﴿حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ﴾
- ۳- اگر سرچشمه‌ی مباحثات، تحقیق باشد ارزش دارد، ولی اگر برای طفره رفتن باشد، مورد انتقاد است. ﴿حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ﴾

﴿٦٧﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَ

مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

(برخلاف ادعای یهودیان و مسیحیان، ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی،

بلکه او فردی حق‌گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود.

## نکته‌ها:

□ «حَنَفٌ»، به معنای گرایش به حق است و در مقابل آن واژه‌ی «جَنَفٌ»، معنی گرایش و تمایل به باطل را می‌دهد. بنابراین «حَنِيفٌ» به کسی گفته می‌شود که در مسیر

۱. تفاسیر المیزان، فی ظلال، مراغی و المنار. ۲. تفاسیر مجمع البیان و قرطبی.

باشد، ولی بت پرستان آن را در مورد خود بکار می بردند و مشرکان نیز «خُفَاء» خوانده می شدند.

- این آیه، با آوردن کلمه‌ی «مسلماً» در کنار کلمه‌ی «حقیفاً»، هم دامن ابراهیم را از لوث شرک پاک کرده است و هم دامن این کلمه‌ی مقدّس را از لوث مشرکان. (۱)
- امام صادق علیه السلام در تفسیر عبارت «حقیفاً مسلماً» فرمودند: «خالصاً مخلصاً لیس فیهِ شیء من عبادة الاوثان» یعنی ابراهیم شخصی خالص و برگزیده بود که در او ذره‌ای از پرستش بت‌ها نبود. (۲)

### ﴿۶۸﴾ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَأْمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند، و خداوند سرور و سرپرست مؤمنان است.

#### نکته‌ها:

- از این آیه معلوم می‌شود که نسبت ایمانی، فراتر و محکم‌تر از نسبت خویشاوندی است و افرادی که همفکر و هم‌خط و هم‌هدف باشند، به همدیگر نزدیک‌تر از کسانی هستند که در ظاهر قوم و خویشانند، ولی به لحاظ فکری و اعتقادی از همدیگر جدایند. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران با وفایش فرمود: «انتم واللّه من آل محمد» به خدا سوگند که شما از آل محمد صلی الله علیه و آله هستید. و سپس آیه فوق را تلاوت فرمود. (۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مورد سلمان فارسی فرمودند: «سلمان متّاهل البیت» (۴)

۱. حضرت علی علیه السلام فرمودند: دین ابراهیم همان دین محمد صلی الله علیه و آله بود. بحار، ج ۱۲، ص ۱۱.  
 ۲. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۲، ص ۱۵..  
 ۳. تفسیر مجمع‌البیان.  
 ۴. بحار، ج ۱۰، ص ۱۲۳.

□ با اینکه آیه فرمود: نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، پیروان او هستند، لکن نام پیامبر اسلام و مسلمانان را جداگانه برد، تا بهترین نمونه‌ی پیروی را در وجود حضرت محمد ﷺ و مسلمانان، به دنیا نشان دهد.

□ در روایتی آمده است: «انّ ولیّ محمد من اطاع الله و انّ بعدت لحمته، و انّ عدوّ محمد من عصى الله و انّ قُربُ قرابته»<sup>(۱)</sup> دوست و طرفدار محمد ﷺ کسی است که خدا را اطاعت کند، هرچند به لحاظ فامیلی از او دور باشد و دشمن پیامبر کسی است که خدا را نافرمانی کند، هرچند با پیامبر نسبت و نزدیکی داشته باشد.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «الذّین آمنوا» در آیه، امامان و پیروان آنها هستند.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- پیوند مردم با رهبر، پیوند مکتبی است، نه پیوند قبیله‌ای، زبانی، منطقه‌ای و نژادی. «انّ اولیّ النّاس بابراهیم للذّین اتّبعوه»
- ۲- ملاک قرب به انبیا، اطاعت از آنان است. «أولیّ النّاس بابراهیم للذّین اتّبعوه»
- ۳- پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان، در خط ابراهیم و هم مرام و هم هدف با او هستند. «أولیّ النّاس بابراهیم... وهذا النّبی»

﴿ ٦٩ ﴾ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند، ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و (این را) نمی‌فهمند.

### نکته‌ها:

□ سیمای تهاجم فرهنگی و توطئه‌های دشمن برای بی‌دین کردن مسلمانان را در این آیه و سه آیه بعد می‌بینیم. این آیه خبر از کینه‌های مکتبی، آیه بعد خبر از

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. کافی، ج ۱، ص ۴۱۶.

لجاجت و کفر، آیه هفتاد و یکم خبر از شیوه حق پوشی و کتمان آگاهانه، و آیه هفتاد و دوّم خبر از تاکتیک فریبنده‌ی دشمن می‌دهد که مجموعاً یک تهاجم فرهنگی برخاسته از باطن تاریک، بکارگیری شیوه‌های کتمان، زیر سؤال بردن و تضعیف و تزلزل عقاید توده‌ی مردم است.

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند، نقشه‌های دشمنان دین را افشا و آنان را رسوا می‌کند. ﴿وَدَّت طَائِفَةٌ...﴾
- ۲- شناخت دشمن و برنامه‌های او، لازمه‌ی درمان ماندن از آسیب‌های احتمالی است. ﴿وَدَّت طَائِفَةٌ...﴾
- ۳- خطر تهاجم فکری و فرهنگی، جدّی است. ﴿وَدَّت طَائِفَةٌ...﴾
- ۴- به اظهاراتِ منافقانه‌ی مخالفان اعتماد نکنید، آنها قلباً خواستار انحراف شما هستند. ﴿وَدَّت طَائِفَةٌ...﴾
- ۵- در قضاوت‌ها، انصاف را فراموش نکنید. گروهی از اهل کتاب، چنین آرزویی دارند، نه همه‌ی آنها. ﴿وَدَّت طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ﴾
- ۶- باید کاری کنید که دشمن آرزوی انحراف شما را به گور ببرد. کلمه «لو» در موارد ناشدنی بکار می‌رود. ﴿لَوْ يَضِلُّونَكُمْ﴾
- ۷- کسانی که در صدد انحراف دیگران هستند، ابتدا خود مرتکب حيله، نفاق، کینه، تهمت و توطئه می‌شوند. ﴿وَمَا يَضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ﴾
- ۸- میل به انحراف دیگران، خود یک انحراف بزرگ اخلاقی است. ﴿وَدَّت... و مَا يَضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ﴾

﴿۷۰﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

ای اهل کتاب چرا به آیات خداوند (و نشانه‌های نبوت رسول خدا) کفر می‌ورزید، در حالی که خود (به درستی آن) گواهیید.

**نکته‌ها:**

□ ظاهراً این آیه به بشارت‌هایی نظر دارد که اهل کتاب در تورات و انجیل درباره حضرت محمد ﷺ خوانده بودند، ولی به خاطر حفظ موقعیت اجتماعی و منافع مادی، همه‌ی آن نشانه‌های الهی را نادیده گرفتند.

**پیام‌ها:**

- ۱- سؤال از وجدان، بهترین راه دعوت است. «لَمْ تَكْفُرُونَ...»
- ۲- دانستن تنها کفایت نمی‌کند، پذیرفتن نیز لازم است. «تَكْفُرُونَ... تَشْهَدُونَ»

﴿۷۱﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و (یا) حق را کتمان می‌کنید، در حالی که خود (به حقیقت آن) آگاهید.

**نکته‌ها:**

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی «و انتم تعلمون» فرمودند: یعنی اهل کتاب به صفات ذکر شده برای پیامبر در تورات آگاهند، (ولی آن را کتمان می‌کنند).<sup>(۱)</sup>

□ بسیاری از تحریف‌گران، با نام اسلام‌شناس، مستشرق، مورخ و جهانگرد، در کتاب‌ها و ثبت مکان‌ها و زمان‌های تاریخی تصرّف کردند و در دائرةالمعارف‌ها به عنوان محقق چنان سیمایی از اسلام ترسیم کردند که خواننده به فکر ایمان و تأمل در عقاید اسلامی نیفتد.

**پیام‌ها:**

۱- تلبیس، مشتبه کردن و کتمان حق، دو اهرم نیرومند دشمن برای ایجاد انحراف

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵.



در بین مؤمنان است. در دو آیه قبل فرمود: ﴿يُضِلُّوكُمْ...﴾ در این آیه می فرماید:

﴿تلبسون، تکتمون﴾

۲- تکتمان حق، حرام و اظهار آن واجب است. ﴿تکتمون الحق...﴾

﴿۷۲﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَأَمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ

ءَأَمِنُوا وَجِهَ النَّهَارِ وَءَاكْفُرُوا ءآخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

وگروهی از اهل کتاب گفتند: به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز روز ایمان

آوردید و در پایان روز کافر شوید، شاید (با این حيله آنها از اسلام) باز گردند.

#### نکته‌ها:

□ دوازده نفر از دانشمندان یهود، تصمیم گرفتند برای ایجاد تزلزل و تردید در مسلمانان، صبحگاهان نزد حضرت محمد ﷺ آمده و اظهار ایمان کنند، ولی در آخر روز از اسلام برگردند و بگویند: ما محمد و آیین او را دیدیم، ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده است، مطابقت ندارد. آنها با این نقشه‌ی ماهرانه می خواستند به هم‌کیشان خود این طور وانمود کنند که اگر اسلام مکتب خوبی بود، اهل علم و کتاب از آن دست برنمی داشتند، با این کار هم در مسلمانان تردید بوجود آورند و هم سایر یهودیان را از مسلمان شدن بازدارند. خداوند متعال نیز با نزول این آیه، نقشه‌ی آنان را برملا ساخت.

□ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: وقتی رسول خدا ﷺ فرمان تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه را در هنگام نماز ظهر ابلاغ کردند، یهود گفتند: به آنچه در آغاز روز بوده ایمان آورید، ولی بدانچه در پایان روز آمده (تغییر قبله) کفر ورزید تا آنان از آن قبله بازگردند و به طرف بیت المقدس نماز بخوانند.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- دشمنان برای انحراف مسلمانان، برنامه‌ریزی می‌کنند. در آیه ۶۹ خواندیم که اهل کتاب دوست دارند شما را منحرف سازند، این آیه به نقشه‌ی آنان برای رسیدن به آن هدف می‌پردازد. ﴿يُضِلُّوكُمْ... قَالَتْ طَائِفَةٌ﴾
- ۲- چه بسا گروهی با نام اسلام، در صفوف مسلمانان نفوذ کرده و از پشت خنجر بزنند، لذا باید هشیار بود. ﴿آمَنُوا... وَاكْفَرُوا... لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۳- مسلمان نباید ساده اندیش و زودباور بوده و به هر اظهار ایمانی، اعتماد کند. ﴿آمَنُوا... وَاكْفَرُوا﴾
- ۴- خداوند در مراحل حسّاس، از اسرار و توطئه‌های دشمنان پرده برمی‌دارد. ﴿آمَنُوا... وَاكْفَرُوا﴾
- ۵- باید در مرحله‌ای از ایمان قرار بگیریم که بازگشت برخی مسلمانان از دین، مایه‌ی تزلزل ما نگردد. ﴿وَاكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۶- یکی از سیاست‌های دشمن، ایجاد ارتباط و سپس قطع آن، به منظور ایجاد تزلزل در جامعه است. ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

﴿۷۳﴾ وَلَا تَوَمَّنْوْا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِيْنَكُمْ قُلْ اِنَّ الْهُدٰى هُدٰى اَللّٰهِ اَنْ يُؤْتٰى  
 اَحَدًا مِّثْلَ مَا اُوْتِيْتُمْ اَوْ يَحَآجُوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيْدِ  
 اَللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ وُسْعٌ عَلِيْمٌ

(بزرگان یهود، برای جلوگیری از گرایش یهود به اسلام، به آنان می‌گفتند: جز به کسی که آیین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید. (زیرا دین حق منحصر به ماست. ای پیامبر! به آنان) بگو: راه سعادت راهی است که خدا بنماید (و مانعی ندارد) که به امتی دیگر نیز همانند آنچه (از کتاب و شریعت) به شما داده شده، داده شود، تا در نزد پروردگار با شما احتجاج کنند. (همچنین ای پیامبر! به آنان) بگو: فضل و رحمت بدست خداست، او به هر که بخواهد عطا می‌کند و خداوند دارای رحمت وسیع و علم بی‌انتهاست.

## نکته‌ها:

□ اهل کتاب، از گرایش یهود به اسلام نگران بودند و برای پیشگیری از آن تبلیغ می‌کردند. ﴿لَا تَوْمِنُوا إِلَّا مَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾

## پیام‌ها:

- ۱- دشمنان اسلام، در توطئه‌های خود سفارش به پنهان کاری می‌کنند و به غیر خود نیز اعتماد ندارند. ﴿لَا تَوْمِنُوا إِلَّا مَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>
- ۲- هدایت الهی، یک جریان مستمر در طول تاریخ بوده است و اختصاص به قوم خاصی ندارد. ﴿إِنِ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ﴾
- ۳- تعصب و خودبرتربینی، یکی از آفت‌های دینداری است. ﴿إِلَّا مَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾
- ۴- الطاف پروردگار، در انحصار گروه خاصی نیست. نبوت و هدایت، فضل الهی است که به هر کس بخواهد می‌دهد. ﴿إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ﴾
- ۵- گزینش پیامبران از سوی خداوند، بر اساس علم اوست. ﴿وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

﴿۷۴﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

(خداوند) هر که را بخواهد به رحمت خویش اختصاص دهد و خداوند صاحب

فضل بزرگ است.

## نکته‌ها:

□ این آیه، تصوّر غلط یهود را که خداوند هیچ قومی را مانند یهود مورد لطف خویش قرار نمی‌دهد، نفی کرده و می‌فرماید: خداوند بهتر می‌داند چه کسی را عهده‌دار رسالت خویش بگرداند. او در میان بندگان لایق‌ترین فرد را انتخاب نموده و مورد لطف خاص خویش قرار می‌دهد. خداوند، هم لطفش توسعه دارد و هم حکمتش انتخابگر است.

۱. یکی از معانی ایمان، اعتماد و اطمینان است.

﴿۷۵﴾ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

واز اهل کتاب کسانی هستند که اگر او را بر اموال بسیاری امین گردانی، به تو باز می‌گرداند و بعضی از آنان (به قدری نادرستند که) اگر او را بر دیناری امین گردانی، آن را به تو بر نمی‌گرداند، مگر آنکه (برای مطالبه آن) دائماً بالای سر او بایستی، این (خیانت در امانت) به جهت آن است که گفتند: درباره‌ی امیّین (غیر اهل کتاب) هرچه کنیم بر ما گناهی نیست، در حالی که آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می‌بندند.

#### نکته‌ها:

□ در روایات آمده است که امانت را به صاحبش برگردانید، حتی اگر صاحب امانت، فاسق باشد. (۱)

#### پیام‌ها:

- ۱- در مورد مخالفان خود، انصاف را مراعات کنید و همه را خائن ندانید. ﴿من اهل الكتاب... يؤدّه اليك﴾
- ۲- امانتداری، ملاکی برای ارزشیابی افراد است. ﴿يؤدّه... لا يؤدّه﴾
- ۳- ارزشهای اخلاقی، ثبات دارند. حفظ امانت، در نزد همه نیکو، و خیانت در آن، نسبت به هر کسی باشد زشت است. ردّ امانت، یک ارزش است، گرچه از یهود باشد. ﴿يؤدّه... لا يؤدّه﴾
- ۴- قیام و مقاومت، برای گرفتن حقّ لازم است. ﴿لا يؤدّه اليك الا ما دمت عليه قائماً﴾

۱. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۷۸.

- ۵ - استعمار، استحمار و نژادپرستی، ممنوع است. ﴿لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ﴾  
 ۶ - یهود و نصاری، خود را اندیشمند، و مسلمانان را بی سواد و امی می پنداشتند.  
 ﴿لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ﴾  
 ۷ - بالاتر از گناه، توجیه گناه است. یهود اموال مردم را به ناحق می خوردند و می گفتند: خداوند به این کار راضی است. ﴿يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبُ﴾

### ﴿۷۶﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و تقوا داشته باشد، پس بی گمان خداوند پرهیزکاران را دوست می دارد.

#### نکته ها:

- وفای به عهد در تمام موارد زیر لازم است:
- الف: عهدی که خداوند از طریق فطرت یا انبیا با انسان ها بسته است. (۱)  
 ب: عهدی که انسان با خدا می بندد. (۲)  
 ج: عهدی که انسان با مردم می بندد. (۳)  
 د: عهد رهبر با امت و بالعکس. (۴)

#### پیام ها:

- ۱- در برابر تفکرات غلط، موضع بگیرید. ﴿بَلَىٰ﴾ (۵)  
 ۲- تقوی، انسان را از دروغ بستن به خدا و ضایع کردن حق مردم بیمه می کند.  
 ﴿يَقُولُونَ... الْكُذْبُ... بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ وَ اتَّقَىٰ﴾

- 
۱. ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ...﴾ یس، ۶۰.  
 ۲. ﴿وَمَنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ...﴾ توبه، ۷۵.  
 ۳. ﴿وَالْمُؤْفُونَ يَعْهَدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا...﴾ بقره، ۱۷۷.  
 ۴. ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ﴾ انفال، ۵۶.  
 ۵. کلمه «بلی» غالباً در موردی بکار می رود که منطق و تفکر قبلی را رد می کند.

۳- شعار، کار ساز نیست، عمل و تقوا لازم است. ﴿اَوْفِ وَاْتَقِ﴾

۴- وفای به عهد، از نشانه‌های تقواست. ﴿اَوْفِ وَاْتَقِ﴾

۵- وفای به عهد و تقوا، ملاک محبوبیت است، نه اهل کتاب بودن. ﴿يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿۷۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ  
لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْأَخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خودشان را به بهای ناچیزی  
می‌فروشند، آنان برایشان نصیبی در آخرت نیست و خداوند در قیامت با آنها  
سخن نمی‌گوید و به آنان نیز نظر (لطف) نمی‌کند. آنها را (از گناه) پاک  
نمی‌سازد و برای آنان عذابی دردناک است.

#### نکته‌ها:

- این آیه، کسانی را که پیمان شکنی می‌کنند، به پنج نوع قهر الهی تهدید می‌کند:  
بی‌بهرگی در آخرت، محرومیت از خطاب الهی، محرومیت از نظر لطف الهی،  
محرومیت از پاک‌سازی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک.
- در روایات شیعه و سنی آمده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: ﴿لَا إِيمَانَ لِمَنْ  
لَا أَمَانَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ﴾ کسی که مراعات امانت نکند، ایمان ندارد و آن  
کسی که به عهد خویش وفادار نباشد بی‌دین است.<sup>(۱)</sup>
- در بعضی روایات آمده است که مراد از «عهد الله»، حقایق مربوط به پیامبر اسلام  
در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته است.
- مقایسه کنیم وضع کسانی را که از جانب خداوند به آنها سلام داده می‌شود؛  
﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٌ﴾<sup>(۲)</sup> با کسانی که خدا هیچ سخنی با آنان نگوید؛ ﴿لَا يَكَلِّمُهُمُ﴾

۱. تفسیر مراغی و نورالثقلین.

۲. یس، ۵۸.

- اللَّهُ﴾ و اگر ناله‌ای سر دهند با جمله‌ی ﴿اٰخِسْتُوْا فِیْهَا وَلَا تَكْلُمُوْنَ﴾<sup>(۱)</sup> خفه می‌شوند.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کس با سوگند، مال و ثروت برادرش را به ناحق بخورد، مورد غضب الهی است. سپس این آیه را تلاوت نمودند.<sup>(۲)</sup>
- حضرت علیؓ فرمودند: مراد از نگاه خداوند در قیامت؛ ﴿لَا یَنْظُرُ الِیْهِمْ﴾ نگاه رحمت است، (نه نگاه با چشم).<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- امانت مردم نزد انسان، عهد الهی است. در آیات قبل خواندیم که بعضی امانت مردم را بر نمی‌گردانند، در این آیه به جای امانت مردم، کلمه‌ی ﴿عَهْدَ اللّٰهِ﴾ بکار رفته است.
- ۲- پیمان شکنی، از گناهان کبیره است. این نوع تهدید پی‌درپی، در باره هیچ گناهی در قرآن مطرح نشده است. ﴿یَشْتَرُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ... لَا خَلٰقَ لَهُمْ...﴾
- ۳- سوگند دروغ، سبب محرومیت در قیامت می‌شود. ﴿یَشْتَرُوْنَ... اِیْمَانَهُمْ﴾
- ۴- دنیاپرستی، ریشه‌ی پیمان شکنی است. ﴿ثُمَّ اَنْ﴾
- ۵- بهای پیمان شکنی هرچه باشد، کم است. ﴿ثُمَّ اَنْ قَلِیْلًا﴾
- ۶- کیفرهای قیامت، متناسب با عملکرد خود ماست. بی‌اعتنایی ما به تعهدات الهی، سبب بی‌اعتنایی خدا به ماست. ﴿لَا یَكْلُمُهُمْ، لَا یَنْظُرُ الِیْهِمْ، لَا یَزِکُّهُمْ﴾
- ۷- عذاب‌های آخروی، هم جسمی است و هم روحی. هم تحقیر است؛ ﴿لَا یَكْلُمُهُمْ اللّٰهُ﴾ و هم شکنجه و مجازات. ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ﴾

﴿۷۸﴾ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِیْقًا یَلُوْنَ اَلْسِنَتَهُمْ بِاَلْکِتَابِ لِتَحْسَبُوْهُ مِنْ اَلْکِتَابِ  
وَمَا هُوَ مِنْ اَلْکِتَابِ وَیَقُوْلُوْنَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ  
اللّٰهِ وَیَقُوْلُوْنَ عَلٰی اللّٰهِ اَلْکَذِبَ وَهُمْ یَعْلَمُوْنَ

۱. مؤمنون، ۱۰۸. ۲. تفسیر نورالثقلین. ۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۳.

وهمانا از ایشان (اهل کتاب) گروهی هستند که زبان خود به خواندن کتاب (ودست نوشته‌ی خودشان چنان) می‌چرخانند که شما گمان کنید آن از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب نیست و می‌گویند: آن (چه ما می‌خوانیم) از جانب خداست، در حالی که از جانب خدا نیست و آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می‌بندند.

### نکته‌ها:

□ گناه علما و دانشمندان بی‌تقوا چند برابر است، زیرا:

الف: مردم را به اشتباه می‌اندازند. ﴿لتحسبوه من الکتاب﴾

ب: به خداوند دروغ می‌بندند. ﴿هو من عندالله﴾

ج: تمام این حرکت‌ها را آگاهانه انجام می‌دهند. ﴿وهم يعلمون﴾

### پیام‌ها:

- ۱- در قضاوت‌ها، انصاف داشته باشیم و همه را به یک دید نگاه نکنیم. ﴿وانّ منهم لفریقاً...﴾
- ۲- حضور دانشمندان خائن در میان اهل کتاب، قطعی است. ﴿لفریقاً﴾
- ۳- عوام فریبی و لفاظی، از گناهان دانشمندان است. ﴿یلوون السنتم﴾
- ۴- نطق خوب، اگر در مسیر حق نباشد، وسیله‌ای برای انحراف است. ﴿یلوون السنتم﴾
- ۵- گمراه‌کنندگان، مقدّسات مذهبی و کتب آسمانی را دستاویز خود قرار می‌دهند. ﴿بالکتاب﴾
- ۶- التقاط، یکی از حربه‌های زهراگین فرهنگی دشمن است. ﴿لتحسبوه من الکتاب﴾
- ۷- اگر دشمن زمینه‌ی پذیرش انحراف را در شما ببیند، ادعاهای خطرناک‌تری مطرح می‌کند. ﴿لتحسبوه من الکتاب... یقولون هو من عندالله﴾
- ۸- بزرگ‌ترین خیانت به فرهنگ و عقیده‌ی انسان، تحریف آگاهانه و مغرضانه‌ی علما و خواصّ است. ﴿یقولون علی الله الکذب و هم يعلمون﴾



﴿۷۹﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ  
لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا  
كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

هیچ (پیامبر و) بشری که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت داده است، حق ندارد به مردم بگوید: به جای خدا، بندگان من باشید. بنابراین (شما دانشمندان اهل کتاب به طریق اولی چنین حقی ندارید، بلکه باید) به خاطر سابقه‌ی آموزش کتاب و تدریسی که دارید، ربّانی باشید.

#### نکته‌ها:

- امتیاز پیامبران بر دیگران آن است که هر قدر بر تعداد یاران و مقدار قدرتشان افزوده شود، مردم را بیشتر به بندگی خدا دعوت می‌کنند، و هرگز راه توحید را عوض نمی‌کنند و تأکید و هشدارشان بیشتر می‌شود. امّا دعوت‌کننده‌های سودجو، در ابتدا با قیافه‌ای مقدّس مآبانه و دلسوزانه کار را شروع می‌کنند، ولی پس از رسیدن به مسند قدرت، استبداد و خودمحموری را پی‌ریزی می‌نمایند.
- در روایات آمده است که به بردگان خود، «عبدی» نگویند، بلکه «فقی» بگویید و بردگان نیز به مولای خود «ربی» نگویند، بلکه «سیدی» بگویند.<sup>(۱)</sup>
- اگر انبیا نباید پرستش بشوند، حساب دیگران روشن است. اگر مواهب معنوی عامل عبودیت نشود، حساب زرق و برق مادی روشن است.
- «ربّانیین» جمع «ربّانی» به کسی گفته می‌شود که پیوند او با خدا محکم باشد و در فکر اصلاح و تربیت دیگران باشد.
- رسول خدا ﷺ فرمودند: درباره من دو گروه هلاک شدند: ۱- پیروان افراطی، که مرا از حدّ بشری بالا بردند. ۲- دشمنان بی‌انصاف، که پیامبری مرا قبول ندارند و من از هر دو گروه بیزارم. حضرت عیسیٰ عليه السلام نیز این هشدار را برای پیروان خود

۱. تفسیر قرطبی.

گوشزد کرده بود و نظیر این معنا را در نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام نیز شاهد هستیم. همچنین فرمودند: «لا ترفعونی فوق حقِّ فانَّ الله تعالیٰ اتخذنی عبداً قبل ان یتخذنی نبیاً» مرا از آنچه هستم بالاتر نبرید، همانا خداوند پیش از آنکه مرا پیامبر قرار دهد، بنده آفریده است. سپس این آیه را تلاوت فرمودند.<sup>(۱)</sup>

□ رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی این آیه فرمودند: هیچ مرد وزن مسلمان، آزاد یا بنده‌ای نیست مگر آنکه حقّ واجب‌ی از خداوند برگردن اوست و آن اینکه قرآن را فراگیرد و در آن تفکّر کند.<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- سوء استفاده از موقعیت، محبوبیت و مسئولیت، ممنوع است. «ماکان لبشر»
- ۲- کتاب و حکمت و نبوت، انسان را از بشر بودن خارج نمی‌کند. «ماکان لبشر»
- ۳- هدف انبیا، تنها نجات بشر از شرک نیست، بلکه رشد او تا مرحله‌ی ربّانی شدن است. «کونوا ربّانیین»
- ۴- راه ربّانی شدن، علم دین و درس کتاب است، نه تصوّف و چله نشینی.<sup>(۳)</sup>  
«ربّانیین بماکنتم تعلّمون...»
- ۵- اگر تعلیم و تعلّم و درس، انسان را ربّانی نکند، در واقع آن علم، علم نبوده است.<sup>(۴)</sup> «ربّانیین بماکنتم تعلّمون...»
- ۶- علمای ربّانی، مفسّران واقعی قرآن هستند. «کنتم تعلّمون الکتاب بماکنتم تدرسون»
- ۷- تعلیم و تدریس کتب آسمانی، باید همیشگی باشد. «کنتم تعلّمون... تدرسون»
- ۸- معلّمی، شغل انبیاست. «تعلّمون الکتاب»

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. مستدرک، ج ۴، ص ۳۲۳.

۳. تفسیر فی ظلال القرآن. ۴. تفسیر صافی.

﴿۸۰﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و(خداوند) به شما فرمان نمی دهد که فرشتگان و انبیا را ارباب خود قرار دهید، آیا ممکن است پس از آنکه تسلیم خدا شدید، او شما را به کفر فرمان دهد؟

پیام ها:

۱- هرگونه دعوت به شرک از سوی هر کس که باشد، ممنوع است. ﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا...﴾

۲- کفر، تنها انکار خدا نیست؛ بلکه پذیرش هرگونه ربّ و مستقل دانستن هر مخلوقی، کفر است. ﴿تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ﴾

﴿۸۱﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَيَّ نَذِيرًا قَالُوا أَأَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

و(بیاد آور) هنگامی که خداوند از پیامبران (پیشین) پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کرد، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. (سپس خداوند) فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا (بر دوش) می گیرید؟ (انبیا در جواب) گفتند: (بلی) اقرار داریم، (خداوند) فرمود: خود شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم.

﴿۸۲﴾ فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

پس کسانی که بعد از این (پیمان محکم) روی برگردانند، آنان همان فاسقانند.

## نکته‌ها:

- تفاوت مکتب انبیا، مانند تفاوت برنامه‌ی دو استاد یا دو استاندار است که در اصول مسائل علمی و سیاسی، دارای جهت واحدی هستند، ولی در مسائل جزئی، به جهت تفاوت‌های فردی دانش آموزان یا شرایط منطقه‌ای، برنامه‌های گوناگون ارائه می‌دهند.<sup>(۱)</sup>
- حضرت علی علیه السلام فرمودند: خداوند از انبیای پیشین پیمان گرفت که مردم را به بعثت پیامبر اسلام و صفات او خبر و بشارت دهند و به آنان فرمان تصدیق آن حضرت را بدهند.<sup>(۲)</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «جائکم رسول مصدق» پیامبر اسلام است.<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- در مدیریت الهی، لازمه‌ی سپردن مسئولیت‌ها، گرفتن پیمان است. «اخذ الله میثاق النبیین»
- ۲- هر جا کار سخت است، پیمان گرفتن لازم است. دست برداشتن از آئین و سنت موجود، و ایمان و حمایت از شخص نوظهور، ساده نیست. لذا خداوند میثاق می‌گیرد. «اخذ الله میثاق...»
- ۳- آمدن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله قطعی است، لذا از همه‌ی انبیا پیمان گرفته شده، نه بعضی از آنها. «میثاق النبیین... جائکم رسول»
- ۴- جریان نبوت، مایه‌ی وحدت است، نه اسباب تفرقه و انشعاب. «رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به»
- ۵- انبیا دارای هدفی مشترک هستند. لذا پیامبران قبلی، آمدن انبیای بعدی را بشارت می‌دادند و نسبت به آنان پیمان ایمان و نصرت دارند، و پیامبران بعدی، انبیای قبل را تصدیق می‌کردند. «مصدق لما معکم لتؤمنن»

۱. تفسیر مراغی.

۲. تفسیر مجمع البیان.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۶- قدیمی‌ها، جدیدی‌ها را تحویل بگیرند، آنها را به مردم معرفی کنند و زمینه‌ی رشد بعدی‌ها را فراهم آورند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ... لَتَنْصُرَنَّهُ﴾  
 ۷- ایمان به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه حمایت نیز لازم است. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرَنَّهُ﴾

۸- در میان انبیا، سلسله مراتب است و خاتم النبیین اشرف آنهاست، زیرا همه‌ی انبیا باید مؤمن به او و حامی او باشند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرَنَّهُ﴾  
 ۹- وقتی انبیای پیشین موظف به ایمان و حمایت از پیامبر اسلام هستند، پس پیروان آنها نیز باید به او ایمان آورده و از او اطاعت کنند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرَنَّهُ﴾  
 ۱۰- حمایتی ارزشمند است که از ایمان سرچشمه گرفته باشد. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرَنَّهُ﴾

۱۱- مهم، داشتن روح تسلیم و پذیرفتن حق است، چه بسا در عمل، شرایط لازم به وجود نیاید. انبیای قبل، زمان پیامبر اسلام ﷺ را درک نکردند، ولی این روحیه را داشتند.<sup>(۱)</sup> ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرَنَّهُ﴾  
 ۱۲- پیمان شکن فاسق است. ﴿فَن تَوَلَّى... هُم الْفَاسِقُونَ﴾

### ﴿۸۳﴾ أَفَعَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

پس آیا آنها جز دین خدا (دینی) می‌جویند؟ در حالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوند.

---

۱. مثلاً شهید شدن یک مسأله است و آمادگی برای شهادت مسأله‌ای دیگر. چنانکه خداوند نمی‌خواهد خون اسماعیل ریخته شود، ولی می‌خواهد ابراهیم آمادگی کامل برای قربانی کردن فرزند داشته باشد. ممکن است ما زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را درک نکنیم، ولی انتظار ظهور، و عشق و علاقه و انس و آمادگی برای حضورش، مسأله‌ای است که در دهها آیه و روایت سفارش شده است.

## نکته‌ها:

- موجودات آسمان‌ها و زمین، همگی تسلیم خدایند. حتی اگر در حال عادی این سرسپردگی را کتمان کنند، در حال احساس خطر به ناچار دل به او می‌سپارند. مؤمنان با میل و رغبت تسلیم او هستند، ولی همگان در زمان احساس خطر یا مرگ یا مغلوب شدن در جنگ و یا در ماندن در استدلال، تسلیم او می‌شوند. همه ذرات عالم، از کوچک‌ترین اتم تا بزرگ‌ترین کرات، همه تابع همان قانونی هستند که خداوند بر آنها حاکم کرده است و هر لحظه می‌تواند آن را تغییر دهد.<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرمودند: زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، تمام سرزمین‌ها شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله» سر خواهند داد.<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- انتخاب راه غیر خدا، با حرکت هستی سازگار نیست. «أفغیر دین الله یبغون و له اسلم»
- ۲- حقیقت دین، تسلیم است. «أفغیر دین الله یبغون و له اسلم...»
- ۳- انسان، دائماً در جستجوی راه و روشی است و گرایش به مکتب در نهاد او قرار دارد. (جمله «یبغون» دلالت بر خواست و تمایل دائمی دارد.)
- ۴- اگر هستی تسلیم اوست، چرا ما تسلیم نباشیم؟ «له اسلم من فی السموات والارض»
- ۵- در آسمان‌ها موجودات با شعور هستند. «من فی السموات»<sup>(۳)</sup>
- ۶- اگر پایان کار ما اوست، چرا از همان اول رو به سوی او نکنیم؟ «الیه یرجعون»

۱. هنگام نوشتن این جملات در یک لحظه بدون دلیل خاصی احساس کردم نصف سر و صورتم به شدت درد گرفت. قلم را زمین گذاشتم، دست بر سر و محل درد کشیدم، لحظاتی گذشت یک مرتبه آرام شدم، با خود گفتم: آری، تمام هستی در هر لحظه‌ای و به هر شکلی در دست خداست. حرکت هر برگی و نوشتن هر کلمه‌ای بدون اراده‌ی او ممکن نیست.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مراد از «من فی السموات» ملائکه می‌باشند. درالمنثور، ج ۲، ص ۲۵۴.